



پرولتاریای جهان و خلق‌های ستمدیده متحد شوید!

شماره ۲۱۰ دی ۱۴۰۲

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران (توفان)

فهرست مطالب

- ۲ بیش از هشتاد روز بمباران ونسل کشی ، بیش از هشتاد روز مقاومت و نبرد قهرمانانه
- ۴ کوه موش زائید پیرامون کنفرانس آب و هوای سازمان ملل
- ۶ فروش مدارس خیر ساز از خبر تا واقعیت
- ۷ بزرگترین فسادهای مالی کشف شده در ایران
- ۸ اعتصاب درخشان کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز
- ۹ تجمع بازنشستگان در چندین شهر ایران برای افزایش حقوق و علیه فساد ارزی ۳،۴ میلیارد دلاری
- ۱۰ دو راه حل برای دفع خطر علیه موجودیت ایران
- ۱۱ باور به اصولیت شرط هر مبارزه انقلابی و جلب اعتماد مردم است
- ۱۲ دادگاه های «حقوق بشری» استکهلم و تریبونال لندنی شامل محاکمه این جنایتکاران جنگی
- ۱۲ بیانیه جمعی از ایرانیان طرفدار «صلح، آزادی و عدالت»
- ۱۳ در جبهه نبرد طبقاتی
- ۱۶ اسرائیل باید خودش را از دست خودش نجات دهد
- ۱۷ ائتلاف بین المللی ۱۰ کشور در دریای سرخ محکوم به شکست است
- ۱۸ علیه تجاوزات امپریالیستی برای صلح
- ۱۹ استیصال ارتش فاشیست اسرائیل
- ۱۹ اعتراض مردم بی مسکن علیه "جهاد کشاورزی"
- ۲۰ نبرد غزه و به تکاپو افتادن مقامات آمریکایی و اروپایی برای برون رفت از باتلاق خود ساخته
- ۲۰ اعتصاب کارگران علیه تسلا در سوئد و همبستگی و حمایت اتحادیه های کارگری شمال اروپا
- ۲۱ طرح «دو دولت» و حامیان رباکار خلق فلسطین
- ۲۲ عدم شناخت و درک درست از ماهیت بورژوازی و سرشت امپریالیسم ، شکست و خواری در پی دارد!
- ۲۳ نوبل و حقوق بشر
- ۲۳ بیانیه مشترک : اختلاف گویان ونزونا بر سر چیست؟
- ۲۴ بیانیه مطبوعاتی جبهه خلق برای آزادی فلسطین در مورد ادامه نسل کشی در غزه توسط صهیونیست ها
- ۲۵ گزارش مختصری از تظاهرات های ضد صهیونیستی در حمایت از خلق فلسطین
- ۲۷ ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده
- ۲۸ پاسخ به یک پرسش در فیسبوک
- ۳۰ پاسخ به یک پرسش در کانال تلگرام



بیش از هشتاد روز بمباران ونسف کشی، بیش از هشتاد روز مقاومت و نبرد قهرمانانه

بیش از هشتاد روز از «توفان الاقصی» حمله قهرمانانه جنبش مقاومت فلسطین علیه دشمن متجاوز و صهیونیست می‌گذرد. اخبار هر روز صحنه‌های بیشتری از ویرانی‌ها و کشتار فلسطینیان و نسل‌کشی و انتقام‌گیری از زنان و کودکان توسط ارتش متجاوز اسرائیل را نشان می‌دهد. موج حملات بربرمنشانه هوایی رژیم نازی صهیونیستی اسرائیل چنان سنگین است که در همان نخستین روزهای پس از هفتم اکتبر «دیده‌بان حقوق بشر اروپا» اعلام کرده بود اسرائیل معادل بیش از یک چهارم بمب اتم را بر سر مردم غزه ریخته است. اسرائیل تاکنون بیش از چهل و پنج هزار تن بمب بر سر مردم غزه ریخته است سه برابر بمبی که بر فراز هیروشیما و ناگازاکی پرتاب گردید.

یکم: دفتر اطلاع رسانی دولت فلسطین در نوار غزه در تازه‌ترین آمار جانباختگان و مجروحان نسل‌کشی در غزه را منتشر کرده است. این آمار مربوط به ۲۵ دسامبر است

بر اساس آمارهای اعلام شده، شمار شهدای غزه تا این لحظه به ۲۰۶۷۴ نفر و ۸۵۰۰۰ نفر از این تعداد کودک و ۶۳۰۰ نفر زن و شمار مجروحان نیز به ۵۴۶۳۶ نفر رسیده است، ۳۱۱ نفر از کادر پزشکی و درمانی، ۴۰ نفر از نیروهای امدادی و ۱۰۳ نفر هم خبرنگار هستند

ارتش اسرائیل تاکنون ۱۷۴۵ جنایت و کشتار را در حق فلسطینیان در نوار غزه مرتکب شده است. علاوه بر این، تاکنون ۱۲۶ ساختمان دولتی توسط صهیونیست‌ها بمباران شده و ۲۸۵ مدرسه هم خسارت دیدند که ۹۲ مورد از این مدارس به کلی تخریب شده است. ۱۱۵ مسجد در بمباران‌های ارتش اسرائیل

به کلی تخریب شده و ۲۰۰ مسجد هم خسارت دیده است. ۳ کلیسا نیز تاکنون بمباران شده و خسارت دیده است. مجموع واحدهای مسکونی خسارت دیده به ۲۹۰ هزار واحد رسیده است که ۶۵۰۰۰ واحد به کلی تخریب شده و قابل سکونت نیستند. تاکنون ۲۳ بیمارستان و ۵۳ مرکز درمانی و ۱۴۰ موسسه بهداشتی در نتیجه حملات صهیونیست‌ها از خدمت خارج شدند. ۱۰۲ خودروی آمبولانس هم در این حملات آسیب دیده است. موج حملات بربرمنشانه هوایی رژیم نازی صهیونیستی اسرائیل چنان سنگین است که در همان نخستین روزهای پس از هفتم اکتبر «دیده‌بان حقوق بشر اروپا» اعلام کرده بود اسرائیل معادل بیش از یک چهارم بمب اتم را بر سر مردم غزه ریخته است.

دوم: سازمان بین‌المللی امداد رسانی آکسفام اعلام کرد ۹۰ درصد از ساکنان نوار غزه که تعداد آنها حدود ۲.۳ میلیون نفر هستند با گرسنگی شدید مواجه بوده و اگر آتش بس برقرار نشود خطر قحطی هر روز افزایش می‌یابد. به گزارش مرکز اطلاع رسانی فلسطین این سازمان بین‌المللی با انتشار بیانیتهای به اطلاعات منتشر شده توسط برنامه جهانی غذا وابسته به سازمان ملل متحد در خصوص میانگین گرسنگی در نوار غزه واکنش نشان داد. برنامه جهانی غذا اعلام کرد ۲۵ درصد از ساکنان نوار غزه در معرض گرسنگی شدید قرار دارند. آکسفام تاکید کرد بیش از ۹۰ درصد مردم غزه از گرسنگی شدید رنج می‌برند. در این بیانیه آمده است: تقریباً تمام مردم غزه که تعداد آنها حدود ۲.۳ میلیون نفر است با گرسنگی شدید دست و پنجه نرم کرده و در صورت عدم برقراری آتش بس خطر قحطی در این منطقه روز به روز افزایش می‌یابد. در ادامه این بیانیه تاکید شده است تمام خانواده‌های غزه تقریباً هر روز هیچ وعده غذایی ندارند و ارزیابی‌های انجام شده در خصوص امنیت غذایی توسط برنامه جهانی غذا که در آن تاکید دارد ۲۵ درصد از مردم این منطقه درگیر گرسنگی جدی هستند شدیداً قابل تردید است چرا که این

در لاین را، مضحکه تر نماید!

در نوار غزه، آوارگی و فرار از بمباران وحشیانه ارتش نازی اسرائیل دیگر به معنای زنده ماندن نیست، زیرا بی رحمی گرسنگی از گلوله‌ها و موشک‌ها شدیدتر شده است و صهیونیست‌ها همچنان از ورود کمک‌های بشردوستانه انباشته شده در مقابل گذرگاه رفح که تنها چند متر با مردم گرسنه غزه فاصله دارد، خودداری می‌کنند.

رژیم صهیونیستی با ناکامی در به شکست کشاندن مقاومت فلسطینیان در داخل نوار غزه به سلاح جدیدی یعنی گرسنگی دادن آنها متوسل شده است، زیرا بیش از هشتاد روز بمباران بی وقفه خانه‌های آنها و برجای گذاشتن بیش از ۲۰ هزار کشته و ۵۰ هزار مجروح دستاوردی برای این رژیم رقم نزد و چیزی به نام ترس از مرگ، فلسطینیان را مجبور به ترک سرزمین خود نکرد. در عین حال هر روز بر تعداد کشته شدگان نظامیان صهیونیست افزوده می‌شود و جنبش مقاومت فلسطین در نبرد زمینی دست بالا را دارد.

جنگ میان گروه‌های جنبش مقاومت فلسطین علیه اسرائیل و بمباران وحشیانه غزه توسط رژیم اشغالگر صهیونیست جنگی که بی سابقه‌ترین ضربه امنیتی، اطلاعاتی و نظامی را از سوی مقاومت فلسطین به قوای اشغالگر صهیونیست وارد کرده و متجاوزین را برای سرپوش نهادن بر شکست مفتضحانه خود، در حال ارتکاب جنایات تمام عیاری علیه مردم غیر نظامی غزه و داشته است، جنگی شکست ناپذیر است. جنبش مقاومت فلسطین با امکانات ناچیزش و در محاصره صهیونیسم و امپریالیسم آمریکا و متحدینش تا این لحظه حماسه آفریده است و نشان داده است که ملتی کوچک و متحد و دارای میل و اراده به مقاومت و پیروزی می‌تواند کوه را جابجا کند و پوزه استعمارگران را به خاک بمالد.

شکست ارتش صهیونیستی اسرائیل در غزه، همچون ارتش نازیسم آلمان محتوم است.

غزه امروز مرز بین انسانیت و بهیمیت، فاشیسم و ضد فاشیسم است و هرگونه سکوت و بیطرفی سیاسی در نزاع بین اشغالگر و ملت تحت اشغال، بین ستمگر و ملت تحت ستم، همدستی با صهیونیسم این فاشیسم مدرن معاصر است!

ساکت ننشینیم با فریاد اعتراض خود در مقابل این نسل کشی مدرن و فاشیستی بپاخیزیم و صدای زنان و کودکان و مردان غزه باشیم. زنده باد خلق قهرمان فلسطین که برای رهایی ملی می‌جنگند!*

**نابود باد رژیم صهیونیستی کودک کش
پیروز باد نبرد به حق خلق فلسطین**

ارزیابی در بازه زمانی ۲۳ نوامبر تا ۴ دسامبر انجام شده و بیانگر شرایط واقعی کنونی در غزه نیست. علمیه شیفتی معاون رئیس سازمان آکسفام که ارزیابی‌های وی در این بیانیه مورد استفاده قرار گرفته اعلام کرد مردم غزه از گرسنگی می‌میرند در حالی که انگلیس از تصویب قطعنامه شورای امنیت امتناع می‌ورزد. وی افزود: کسانی که در جامعه بین الملل از مهار ماشین نظامی اسرائیل و مجازات دست جمعی فلسطینیان غزه امتناع می‌کنند امروز باید احساس شرمندگی و هم دستی در این رسوایی داشته باشند.

سوم: دولت جنگ افروز آمریکا که تمام قد از جنایات رژیم صهیونیستی به دفاع برخاسته است، به تدریج متوجه شد که پیروزی بر جنبش مقاومت فلسطین به این آسانی میسر نیست و تصمیمات شتاب زده دولت افراطی بنامین نتانیاهو با منطق سازگار نیست و این سبب شده است تا حملات نیروهای یمنی به کشتی‌های اسرائیلی در دریای سرخ و هم‌منظور حملات موشکی به پایگاه‌های آمریکا در عراق و سوریه نیز افزایش یابند. از این رو برای حفظ آبرو و به رخ کشیدن قدرت خود در منطقه یک ائتلاف دریایی چند ملیتی به نام «نگهبان رفاه» برای تامین امنیت ناوبری و حفاظت از کشتی‌های تجاری در دریای سرخ در قبال حملات نیروهای مسلح یمن را تشکیل شده است. برخی کشورها از این ائتلاف استقبال کرده‌اند، در حالی که برخی دیگر نیز عضویت در آن را نپذیرفته‌اند. در پی تشدید تنش‌ها در نوار غزه، نیروهای مسلح یمن اعلام کردند که تا زمان متوقف نشدن حملات علیه غزه، حملاتی را علیه رژیم صهیونیستی انجام خواهند داد و به هیچ کشتی وابسته به آن اجازه تردد در آب‌های دریای سرخ و تنگه باب المندب را نمی‌دهند. حملاتی نیز از سوی نیروهای مسلح یمن علیه برخی کشتی‌های مرتبط با رژیم صهیونیستی در دریای سرخ انجام شده است که آن را در پاسخ به جنایات جنگی این رژیم در غزه دانسته‌اند. اکنون جبرگزاری‌های معتبر جهان اعلام کرده‌اند که فرانسه، اسپانیا و ایتالیا و استرالیا از ائتلاف دریایی آمریکا علیه «حوثی‌ها» خارج شده و هلند، نروژ و دانمارک هم از ارسال کشتی‌های جنگی خود به منطقه خودداری کرده‌اند. این ائتلاف نظامی چند کشور نیست بلکه نمایش نظامی خاص آمریکا برای ارعاب حریفان خود در منطقه بویژه یمن است که از همان آغاز از هم فروپاشیده و با شکست روبرو شده است

چهارم: اکنون بیش از هشتاد روز از جنگ وحشیانه و کشتار زنان و کودکان فلسطینی می‌گذرد. نتانیاهو بارها گفته بود؛ تا نابودی سازمان حماس و آزادی همه زندانیان اسرائیلی، آتش بسی برقرار نخواهد شد! چنانکه پیداست تا این لحظه نه جنبش مقاومت حماس نابود شد و نه همه زندانیان آزاد شدند. بخشی از زندانیانی هم که آزاد شدند، در سایه آتش بس هفت روزه بود! پس براتاق جنگ اسرائیل و پنتاگون معلوم شد که با قتل عام کور و وحشیانه نه تنها کاری از پیش نمی‌رود بلکه روزه روز و ساعت به ساعت خشم و نفرت جهانیان، حتی کارمندان کاخ سفید و سیاه در فرانسه و آلمان و انگلیس، روزه افزایش گذاشته و ادامه این وضع می‌تواند اثر بسیار منفی بر انتخابات پیش رو در آمریکا داشته باشد و چهره دولتمردان و دولتمردان یالانچی کاخ الیزه، بوندس تاگ آلمان، ساختمان شماره ۱۰ خیابان داوینک انگلیس و باغ و بوستان جوزف بورل و اورسولا فن



کوه موش زائید

پیرامون کنفرانس آب و هوای سازمان ملل

از اوایل سال جاری مسیحی، معین گشت که امسال امارات متحده عربی برگزار کننده کنفرانس «کاپ ۲۸» تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد خواهد بود.

این کنفرانس که از ۳۰ نوامبر تا ۱۲ دسامبر در دویبی برگزار شد، با سخنرانی سلطان احمد الجابر وزیر کشور امارات افتتاح گردید. به این ترتیب بیست و هشتمین نشست تغییرات آب و هوای سازمان ملل با شرکت ۷۰ هزار سیاستمدار، دیپلمات، رهبران تجاری، سرمایه گذاران و فعالان محیط زیستی برگزار شد.

قرار بود که در این کنفرانس مثل سایر کنفرانس ها، برای حفظ گرمایش زمین در حد ۵/۱ درجه سانتیگراد، کاهش انتشار گاز متان، افزایش انرژی تجدید پذیر به سه برابر مقدار کنونی و کمک به کشورهای در حال توسعه برای تامین مالی منابع اقلیمی تصمیماتی اتخاذ شود.

علاوه بر این، اهمیت این کنفرانس در این بود که از یک سو سال ۲۰۲۳ تا کنون گرم ترین سال بوده و در نتیجه انتشار گازهای گلخانه‌ای همچنان در حال افزایش است و از سوی دیگر جنگ های اوکراین و غزه نیز در بهم ریختن برنامه های کاهش دمای زمین نقش مضاعف ایفا کرده اند. لذا می بایست برای حذف تدریجی سوخت فسیلی تا سال ۲۰۳۰ تعهداتی داده می شد.

اما در این کنفرانس پرده ریا و تزویر سرمایه داری جهانی بخصوص کنسرن های نفت و گاز دریده شد. در واقع نشان داده شد که سد اصلی رسیدن به اهداف فوق الذکر همین کشورها و کنسرن های نفتی اند که امروز در این کنفرانس حضور انبوه دارند. توجه کنید که ریاست کنفرانس دویبی را جناب سلطان احمد الجابر - که نه تنها در سمت وزیر صنعت که در عین حال مدیرعامل شرکت ملی نفت ابوظبی (آدنوک)، رئیس هیئت مدیره بنادر ابوظبی و عضو هیئت مدیره چندین شرکت و سازمان دیگر نیز می باشد - به عهده داشت.

کنفرانس تغییرات اقلیمی برای اولین بار در سال ۱۹۷۹ در «کیوتو» با شرکت ۵۳ کشور قرارداد بین المللی کاهش گاز کربنیک (دی اکسید کربن CO2) را به تصویب رساند. طبق این قرارداد، کشورهای صنعتی موظف شدند که بین سال های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ به طور متوسط ۵٪ از حجم گاز کربنیک خود بکاهند.

کنفرانس آب و هوایی سازمان ملل تا کنون ۲۸ بار در کشورهای مختلف

برگزار شده است. ضرورت تشکیل این کنفرانس ها از آنجا ناشی می شد و هنوز هم می شود که دانشمندان به این نتیجه رسیده اند که انفجالات گازهای گلخانه‌ای در جو زمین باعث تغییر آب و هوا، افزایش دمای زمین، کاهش بارندگی، خشک شدن زمین های زراعی، آتش سوزی وسیع جنگل ها، آب شدن تدریجی کوه های یخ قطبی، بالا آمدن سطح آب دریاها، جاری شدن سیل ها و در نتیجه افزایش گرسنگی، بی خانمانی و آوارگی مردم در بسیاری از نقاط زمین می شود.

اما بوده و هستند کشورهای صنعتی، بویژه آمریکا که نه تنها این نظریات را نفی می کنند بلکه آنها را به سُخره می گیرند. ایالات متحده آمریکا حتی یک بار در زمان ریاست جمهوری بوش از قرار داد کیوتو خارج شد و بار دوم ترامپ در دوران ریاست جمهوری اش از قرارداد پاریس بیرون رفت. مقاومت همین کشورها و کنسرن ها که در راستان کنسرن های نفت و گاز، ذغال سنگ، ذوب فلز و صنایع سنگین قرارداد دارند باعث گشت که نه تنها قرارداد کیوتو بلکه تصمیمات کنفرانس های ۲۸ گانه بعدی، که از آغاز قرن اخیر تا کنون اتخاذ شده اند نیز راه به جایی نبرند. برعکس این کنفرانس ها در نگاه مردم واقع بین جهان به مضحکه تبدیل شده اند.

برخی از دولت ها و موسسات محیط زیستی هر بار قبل از تشکیل کنفرانس آه و ناله سر می دهند که باز هم به هدف تقلیل گرمایش زمین دست نیافته ایم!! طبیعی هم هست که چنین باشد. اگر قرار باشد که تا سال ۲۰۳۰ افزایش گرمای زمین را در سطح ۵/۱ درجه سانتیگراد نگهداریم باید گام های محیرالعقول در جهت تولید انرژی تجدید پذیر برداشته شود، یعنی تولید آن به سه برابر مقدار کنونی افزایش یابد و به موازات آن به سرعت از مصرف عظیم انرژی فسیلی خارج شد.

در کنفرانس اخیر در دویبی می بایست بیان قرارداد پاریس - که در سال ۲۰۱۵ به تصویب رسیده بود و طبق آن می بایست افزایش درجه حرارت زمین به ۵/۱ تا دو درجه سانتیگراد رسانده می شد - کشیده شود. اما جهانیان با واقعیت تلخ دیگری مواجه شده اند، زیرا که جهان سیمای دیگری به خود گرفته است.

اگر قرار باشد که تا سال ۲۰۳۰ به اهداف قرارداد پاریس دست یابیم می بایست ۲۰ تا ۲۴ میلیارد تن از تولید گاز کربنیک (CO2) کاسته شود، که بنابر داده های موجود امری است ناممکن، زیرا طبق آمار موجود این مقدار گاز کربنیک در مجموع در پروسه تولید بیش از نیمی از تولید سالانه کلیه کشورها متصاعد می شود و در صورت تحقق آن چرخ اقتصاد کشورهای صنعتی خواهد خوابید از سوی دیگر قرارداد «تجارت گازهای گلخانه‌ای» میان کشورهای صنعتی و در حال توسعه، که می بایست با کاهش آلاینده ها، آلودگی هوا را کاهش داده و کنترل کند، به ابزاری در دست کشورهای صنعتی برای کلاهبرداری تبدیل گشت. منتقدین همان زمان این قرارداد را «سرپوش و تجارت لقب دادند.» امروز اما بعد از گذشت قریب به ۱۰ سال سرمایه داران و کنسرن ها پرده ها را افکنده و بسیار دریده تر عمل می کنند. آنها با گسیل ۲۴۰۰ تن از نمایندگان خود به کنفرانس اخیر دویبی در واقع گام تعیین کننده ای برای شکست دادن نهایی کوشش های دانشمندان و کارشناسان محیط زیستی است که برای نجات بشریت از عواقب خطرانی که تغییر آب و هوا به وجود آورده، برداشته اند.

داده های امروز وضعیت اقلیمی جهان ثابت می کند که در سال ۲۰۷۰ تقریباً ۳۰٪ از جمعیت جهان از ساکنین مناطقی خواهند بود که در درجه حرارتی بیش از ۳۰ درجه سانتیگراد زندگی خواهند کرد.

طبق محاسباتی که دانشمندان انجام داده اند، افزایش گرمای زمین بیشتر در کشورهای آفریقایی جنوب صحرا رخ خواهد داد که در ۱۰ سال آینده با نرخ رشد جمعیت بیشتری نیز روبرو خواهند بود. گرچه جمعیت این بخش از کره زمین رشد بیشتری خواهد داشت ولی نسبت به کشورهای غنی کمترین مقدار گازهای گلخانه‌ای را تولید می کنند. به دیگر سخن چهار میلیارد نفر از جمعیت فقیر جهان تنها ۱۲٪ از کل حجم گازهای گلخانه‌ای را تولید می کنند.

از سوی دیگر در آنها صورت می‌پذیرد امکان زندگی را از مردم می‌ستاند و خطر نابودی برای آنان به ارمغان خواهد آورد. مشکل تغییر آب و هوا بیشترین لطمه را به کشورهای فقیر زده، می‌زند و خواهد زد.

طبق گزارش سازمان محیط زیست وابسته به سازمان ملل، دولت‌های نفتی سراسر جهان در نظر دارند تا سال ۲۰۳۰ دوبرابر مقدار نفتی را که برای رسیدن به هدف ۵/۱ درجه افزایش گرمای زمین در نظر گرفته شده است را استخراج کنند. طبق آماری که "Global Oil and Gas Exit List" منتشر کرده، هم اکنون شرکت‌های حفاری در ۹۶٪ از ۷۰۰ مخزن جدید با موفقیت روبرو بوده و به مخازن جدید نفت و گاز دست یافته‌اند.

اولاف شولتز صدر اعظم فریبکار و دروغگوی آلمان در کنفرانس اخیر دویی در حالی از شرکت‌کنندگان می‌خواهد که «متحداً بکوشند تا از انرژی فسیلی، به ویژه ذغال سنگ فاصله بگیرند» که خود زیر قراردادهای خرید گاز مایع (LNG) از سایر کشورها، بویژه از آمریکا را برای ده سال آینده امضا گذارده است. این در حالیست که مقدار حجم گاز کربنیک که در اثر سوخت گاز مایع متصاعد می‌شود ۲۷۴ برابر ذغال سنگ است! مضافاً اینکه تولید گاز مایع که در آمریکا از طریق «فرکینگ» تولید می‌شود خود بزرگترین ضربه را به محیط زیست می‌زند، زیرا در پروسه تولید گاز فرکینگ مقدار زیادی گاز «متان» تولید می‌شود که در اثر فعل و انفعالات در جو زمین به اندازه خود گاز مایع فرکینگ اثر سوء بر آب و هوا می‌گذارد و باعث افزایش گرمای زمین می‌گردد.

در نتیجه امروز کنسرن‌های آمریکایی با افزایش بی‌سابقه تولید گاز مایع از طریق فرکینگ و صدور آن به اروپا - بویژه آلمان از بعد از تحریم گاز روسیه و انفجار لوله‌های گاز «نورد استریم» به دست تروریست‌های آمریکایی - با ۴ برابر قیمت، بزرگترین مانع را بر سر راه رسیدن به هدف کاهش گرمایش زمین به ۵/۱ درجه سانتیگراد به وجود آورده‌اند. به جرات می‌توان گفت که یکی از علل شکست هدف کاهش گرمای زمین، سرمایه‌دارانی هستند که بر کنسرن‌های نفت و گاز سلطه می‌رانند.

طبیعی هم هست که طرح بیانیه نهایی ۱۲ سپتامبر کنفرانس، که الجابر مدیر عامل شرکت ملی نفت امارات آن را ارائه کرد - که در واقع طرح آن ۲۴۰۰ نمایندگان سرمایه‌داری جهانی شرکت‌کننده در کنفرانس نیز بود - کوچکترین اشاره‌ای هم به مسئله خروج از سوخت انرژی فسیلی نکند. کنفرانس که می‌بایست ۱۲ دسامبر پایان یابد به علت مخالفت بیش از ۱۰۰ کشور با طرح بیانیه الجابر به درازا کشید و روز ۱۳ دسامبر نزدیک به ۲۰۰ کشور بر روی یک فرمول آبکی «خروج تدریجی، منصفانه و منظم... از سوخت فسیلی (ذغال سنگ، نفت و گاز)» به توافق رسیدند. خانم «ایندا کالچر» سخنگوی اطاق فکر «دیدگاه استراتژیکی» (Strategic perspectives)

گفت: شرکت‌کنندگان در کنفرانس برای اولین بار به این نتیجه رسیدند که جهان باید بر سوخت انرژی فسیلی نقطه پایان نهد. اما اتحادیه اروپا اعلام کرد که: این آغازی بیش نیست.

کنفرانس اخیر آب و هوای سازمان ملل، بعد از ۲۸ گردهمایی طی ۱۷ سال گذشته به این نتیجه رسید که بلاخره زمانی باید به سوخت انرژی فسیلی پایان بخشید! اما حتی در مورد زمان تقریبی خروج از سوخت فسیلی نتوانستند به توافق برسند. حتماً زمانی که کفگیر مخازن نفت و گاز جهان به ته دیگ بخورد آنها هم به توافق خواهند رسید که به سوخت انرژی فسیلی پایان بخشند. کوه موش زائید...!*

همان‌طور که قبلاً اشاره رفت درحال حاضر آمریکا به نسبت کل جمعیتش بیشترین تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای است. غنی‌ترین بخش مردم جهان که در دایره جهانی شدن سرمایه عمل می‌کنند، بیشترین ضربه را به محیط زیست وارد می‌کنند که عواقب آن بطور عمده گریبان مردم کشورهای فقیر را می‌گیرد و در صورت ادامه این روال، در آینده وضع آنها بدتر نیز خواهد شد.

کشورهای فقیر فاقد امکانات مقابله با فجایعی هستند که تغییرات اقلیمی برای آنها به ارمغان خواهد آورد. نابرابری مسئولیت بوجود آوردن بحران آب و هوا، نابرابری ضربه‌پذیری مردمی که با این بحران مواجه‌اند و بلاخره نابرابری در بهره‌مندی از منابع لازم جهت مقابله با فاجعه محیط زیست از جمله نابرابری‌هایی به شمار می‌آیند که سرمایه‌داری جهانی مسئول بوجود آمدن آن است. به دیگر سخن در بر همان پاشنه همیشگی نظام سرمایه‌داری می‌چرخد. فقرا رنج می‌برند و ثروتمندان رشد می‌کنند. کشورهای ثروتمند با پیروی از اصل «رشد مدام» در عمل باعث ایجاد بحران اقلیمی و به طریق اولی فقیرتر شدن کشورهای عقب‌نگهداشته شده می‌شوند به این ترتیب رسیدن به هدف گرمایش ۵/۱ درجه گرمایش زمین غیرممکن گشته است. در حقیقت این هدف به علت ولع سرمایه‌داری جهانی به تاریخ پیوسته است.

واقعیت اینست که در حال حاضر کشورهای صنعتی کمترین توجه و کوشش را نسبت به بهبود بخشیدن به وضع آب و هوا، به کاهش گازهای گلخانه‌ای دارند.

نشانه بارز آن، مقدار گاز کربنیک است که در سال ۲۰۲۳ متصاعد شده است. این مقدار بالاترین حجمی است که در تاریخ کشورهای صنعتی انتشار یافته است!

در این میان آمریکا و چین بیشترین گازهای گلخانه‌ای را تولید می‌کنند. به نسبت مصرف سرانه جمعیت، تولید گاز مذکور در اروپا، بخصوص آلمان هم بالاست. اما هند به همین نسبت کمترین مقدار را تولید می‌کند. فیلیپین، دانمارک و ایسلند نیز همینطور. برزیل از زمان روی کار آمدن لولای در جدول رده بندی کشورهای تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای ۱۵ ردیف بالا آمده است. و برعکس امارات سومی از آخر است.

همینکه گرداننده کنفرانس امارات، رئیس یکی از کنسرن‌های بزرگ تولیدکننده نفت است گویای همه چیز است. الجابر نه تنها طرفدار محیط زیست نیست بلکه قبل از تشکیل این کنفرانس اعلام کرد که دولتش در نظر دارد در آینده نزدیک منابع جدید اکتشافی گاز بیشتری استخراج کند. البته گازی که با آب و هوا «سازگار» باشد! علاوه بر این او قبلاً در جلساتی اظهار داشته بود که: «تاکنون هیچ نظریه علمی و عملی ثابت نکرده است که در صورت عدم استفاده از انرژی فسیلی می‌توان افزایش گرمای زمین را در سطح ۵/۱ درجه سانتیگراد مهار کرد!!

ارسال ۲۴۰۰ نماینده به کنفرانس آب و هوای دویی از جانب کنسرن‌های انرژی حاکی از آن است که سرمایه‌داری جهانی نه تنها قصد ممانعت از صرفه‌جویی در سوخت انرژی فسیلی را دارد بلکه در صدد است مصرف آن را افزایش دهد. آنها با این لشکر کشی نه تنها می‌خواهند فریادهایی را که در رابطه با مرگ آور انرژی فسیلی با تغییرات خطرناک بحران آب و هوا به آسمان بلند شده است را در گلو خفه کنند، بلکه جهت اهداف کنفرانس را ۱۸۰ درجه به نفع افزایش تولید و مصرف انرژی فسیلی، که باعث پر شدن جیب سهامداران کنسرن‌های انرژی می‌شود، تغییر دهند. حتی این خبر از بی‌بی‌سی پخش شده است که سلطان احمد الجابر قصد دارد که از این کنفرانس به عنوان یک فرصت‌طلبی جهت فروش بیشتر نفت و گاز استفاده کند!

گرچه روند مد نظر آنها مناسبات نا عادلانه رشد تولید و مصرف را در جوامع صنعتی و ثروتمند موجب می‌شود، ولی در کشورهایی که غارت منابع از یک سو و تغییرات آب و هوا

خصوصی سازی اموال عمومی به نفع الیگارش وابسته به خود بوده، به نحوی که می‌توان گفت افراد و گروه‌ها از هر دو جناح اصلی شریک در قدرت جزو بهره‌مندان حقیقی سیاست‌های خصوصی سازی بوده‌اند و هر کجا تجمع ثروتی از این رهگذر حاصل شده ردی از آنها به چشم می‌خورد. طرح مولد سازی نیز که در آغاز کار دولت فعلی با حمایت رهبر به تصویب رسید از این قاعده مستثنی نیست.

با این حساب می‌توان گفت منازعه فعلی بین دولت و منتقدان اصلاح طلب و یا برون‌مرزی آن نه بر سر اصل ماجرا که اجرای آیات کتب آدم اسمیت و میلتون فریدمن است بلکه بستن دست رقیب بر اساس همان آموزه‌های ریاکارانه سیاست مداران جوامع لیبرالی است.

البته حساب مردم و خیرین مدرسه سازی که با دغدغه‌های انسانی حاکمان را به چالش می‌کشند از این قاعده جداست. حال جای طرح این سوال اساسی است که مگر وظیفه دولت در نظام‌های سرمایه‌داری چیزی جز حفظ منافع اقلیت سرمایه دار در مقابل قربانی کردن منافع عمومی است؟ ویژگی اساسی دولت سرمایه‌داری همین است و به قولی از کوزه همان برون‌تراود که در اوست.

حال می‌خواهد فروش اموال عمومی به بهانه مولد سازی باشد یا قطع یارانه‌های آرد و سوخت با توجه هدفمند سازی یارانه‌ها. مسلماً راه حل‌رهایی از این معضلات ترویج خیریه، وقف و پاسداری از دستاوردهای آنان نیست. راه حل اصلی، رهایی از هر گونه قید و بندی است که دولت را بعنوان متولی اصلی اداره جامعه بدهکار اربابان سرمایه کرده است. به بیانی دیگر تنها دولتی مشروع و قابل دفاع است که تأمین‌کننده منافع اکثریت در مقابل زیاده‌خواهی اقلیت سرمایه دار باشد و تنها نمونه قابل اجرا از چنین دولتی، دولت بنا شده بر ارکان یک جامعه سوسیالیستی است. نگرشی که فرد و حقوق آزادی‌های آن را به صورت انتزاعی تعریف نمی‌کند بلکه آن را در زمینه زندگی اجتماعی با آثار و حقوق و وظایف متقابل تفسیر می‌کند.

تنها چنین طرز تفکری است که می‌تواند خود را از بند سطحی‌نگری به نتیجه‌گیری‌های سود محور معلمان اقتصادی لیبرال و نئولیبرالی که به همه چیز از جمله آموزش، بهداشت و درمان نیز نگاه معاملاتی دارند، رها سازد و به جای طرح این شبهه که اموال خیریه و اوقاف جزو منابع عمومی است و دخل و تصرف در آن اشکال شرعی و قانونی دارد به مطالبه آموزش و بهداشت رایگان پردازد و در نهایت تمام اشکال مالکیت خصوصی را که در حقیقت نفی مالکیت واقعی که همان مالکیت همه‌آحاد جامعه است به چالش بکشد.*



فروش مدارس خیر ساز از خبر تا واقعیت

زهرا گیتی نژاد، آموزگار و خیر مدرسه ساز در مخالفت با فروش مدارس

ماجرای آنجا آغاز شد که مدیر یکی از موسسات خیریه مدرسه ساز ادعای فروش تعدادی از مدارس خیر ساز از سوی دولت در قالب طرح مولد سازی را مطرح کرد و قول پیگیری قانونی این موضوع را داد. در پی این ادعا مسئولان دولتی ذریبط از جمله وزیر آموزش و پرورش، مدیر سازمان مولد سازی و حتا سخنگوی دولت فوراً واکنش نشان داده و ادعای مطرح شده را ناشی از سو برداشت‌گوینده خوانده و تکذیب کردند. رئیس سازمان مولد سازی با بیان اینکه لیست منتشر شده در سامانه این سازمان شامل طرح‌های نیمه‌تمامی بود که قرار است از محل درآمدهای حاصل از فروش اموال مازاد به اتمام برسند نه اینکه خود به فروش برسند، شائبه به وجود آمده را توجیه کرد.

اظهارات سخنگوی دولت و وزیر آموزش و پرورش نیز تأکید بر همین موضوع بود

جدا از اینکه ادعای مطروحه از سوی منتقدین که طیف وسیعی از افراد و رسانه‌ها را در بر می‌گیرد، از روزنامه‌ها و چهره‌های اصلاح طلب گرفته تا صدای آمریکا که تیتراژ حراج براموال عمومی زد و یا ارگان‌های خبری وابسته به دولت و سپاه پاسداران که همچون تسنیم و جوان خبر تکذیب ماجرا را منتشر کردند، مورد ارزیابی و درستی‌سنجی قرار بگیرد، آنچه مورد تأمل است سیاست‌های کلی و روند اقتصادی طی بیش از سه دهه اخیر است که معیار و سنگ محک جدی برای پی بردن به واقعیت رویکرد اقتصادی حاکم بر ایران است. نقش حاکمیت در این سال‌ها همواره مانع زدایی از فرآیند

با فساد همه‌گیر در دستگاه حاکمیت باید با شمشیر تیز انقلاب مبارزه کرد

جمهوری اسلامی آغاز شود.

یکم: ماجرای چای دیش به نقل از "فرا رو" از این قرار است که این برند موروثی برای واردات چای درجه یک هندی اقدام به ثبت سفارش کرده، اما در عمل همان چای درجه دوم را که به عنوان محصول صادراتی ایران به کنیا برده، حتی بدون فک پلمب به کشور بازگردانده است. شرکت دیش با این ترفند موفق شده در طول این سالها، چای دو دلاری را بین ۱۴ تا ۲۰ دلار دلار به بازار عرضه و در هر کیلو به طور میانگین ۱۵ دلار سود کند. اما طبیعی است که برای جابه‌جا کردن رکورد فساد در ایران، وجود یک شرکت کافی نیست؛ بلکه این امر قبل از هر اقدامی به تشکیل یک **کارتل مافیایی** و حضور افرادی از نهادهای دولتی نیازمند است.

موضوعی که در گزارش سازمان بازرسی هم به آن اشاره شده و نام مدیران مختلفی، از جمله در وزارت کشاورزی به چشم می‌خورد. حتی گفته می‌شود در برکناری وزیر سابق کشاورزی، این فساد چندان بی‌تأثیر نبود

دوم: در طول این سالها شرکت دیش در حالی توانسته سیستمی متشکل از وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، صمت و اقتصاد و نهادهایی همچون بانک مرکزی، گمرک، سازمان توسعه تجارت، سازمان استاندارد و حتی غذا و دارو را همدست خود کند که ارزش مورد نیاز واردات چای در هر سال حدود ۲۴۰ میلیون دلار تخمین زده می‌شود، اما شرکت دیش به اندازه نیاز ۱۴ سال کشور، ارزش یارانه‌ای دریافت و منابع کشور را غارت کرده است.

از سوی دیگر، در حالی که ۱۲۷ شرکت دیگر واردکننده چای، پشت محدودیت‌های دولتی اسیر شده‌اند، اظهارات رئیس سازمان بازرسی گواه ایجاد «مسیر سبز» گمرکی برای ترخیص کالاهای این گروه بدون استعمال نهادهای مرتبط است

سوم: البته این پایان ماجرا نیست، این شرکت که برای ثبت رکورد بزرگ‌ترین فساد اقتصادی تاریخ ایران با وفور منابع بیت‌المال مواجه بود، بخشی از ارزشهای نمایی را هم در بازار آزاد و تقریباً با دو برابر قیمت به فروش رسانده است. در این بین، نگاهی به شرایط بازار چای ایران نشان می‌دهد به رغم مازاد چند برابری محصول، چای در ایران شش برابر قیمت جهانی به دست مصرف‌کننده می‌رسد تا بدین ترتیب چای دیش بیش از هر کسی سفره و معیشت مردم را بسوزاند. گرچه اکنون مدیرعامل این شرکت در بازداشت به سر می‌برد، اما با بازداشت این افراد حتی اعدام تعدادی از آنها ریشه فساد سوزانده نخواهد شد. بیش از چهار دهه است که سیاست‌های نولیبرالی و «بازار آزاد» زنجیره‌های اینگونه تخلفات که فساد را در اقتصاد سرمایه داری ایران، آنهم از نوع تجاری و مالی را در جامعه نهادینه و بخش «تولید» کشور را به محلی برای تجارت و رشد دزدی‌های نجومی دلاری تبدیل کرده‌اند. به این سادگی‌ها نمی‌توان دست غارتگران را از منابع ثروت کشور کوتاه کرد. هیچ حکومتی بدون پشتوانه مردمی و بسیج آنها نمی‌تواند گامی ولو کوچک در جهت کاهش فساد و دزدی و غارت منبع عمومی بردارد. رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی در توان و ماهیتش نیست که بتواند با بسیج توده‌ها به جنگ غارتگران و مفسدان برود. رژیم خودش در چنبره فساد غرق است و با حذف و سرکوب توده‌ها و سازمان‌های صنفی و سیاسی و فقدان نظارت نسبی دموکراتیک در جامعه، میدان را برای طبقه سرمایه داری تجاری و بوروکرات و غیرمولد فراهم ساخته تا این چنین بی‌پروا در جامعه جولان دهند و خون زحمتکششان را بمکند.*



بزرگترین فسادهای مالی کشف شده در ایران

افکار عمومی ایران با یک فساد دیگر آشنا شد. فساد ۳۰۴ میلیارد دلاری چای دیش را اگر به تومان حساب کنیم، چیزی حدود ۱۴۰ هزار میلیارد تومان می‌شود!

در ایران مردم با فساد همه گیر و خانمانبراندازی روبرو هستند. رشوه خواری، دزدی و فساد در این ابعاد وسیع؛ محصول رژیم جمهوری سرمایه داری اسلامی در ایران است، که بذری از بی اعتمادی؛ دو روئی؛ ریاکاری؛ و فساد اخلاقی در جامعه فقیر ایران پاشیده است. بخشی از علل فقر در ایران به همین اختلاسها و فساد و رانت مربوط میشود. مسئله دزدی و ارتشاء بقدری توسعه یافته است که نه تنها مردم در نمایشات اعتراضی آنرا بر زبان می‌آورند، حتی در نزاع‌های جناحی در حاکمیت نیز؛ برای تخریب رقیب از همین اسلحه مبارزه با اختلاس و دزدی، با فساد و راهزنی استفاده می‌کنند، یکی از نمایندگان در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با تارنمای «رویداد ۲۴» گفت: «فساد به اندازه‌ای در ساختار ایران گسترده شده که بعید است قانون بتواند با آن مقابله کند و خوب است مبارزه با فساد ابتداء از «دفتر» رهبر



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتن با ما تماس حاصل فرمائید



اعتصاب کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران در اهواز

رفع محدودیت ورود به شرکت کارگران تعلیق شده و بازگشت به کار همکاران اخراج شده قبلی

دوم:

همسان سازی دستمزدها برابر با کارگران شرکت های فولادی همجوار

سوم:

اجرای کامل و فوری طبقه بندی مشاغل، برکناری مدیرعامل فاسد و خلع مالکیت از بانک ملی و مشارکت

چهارم:

کارگران در امر مدیریت شرکتی از جمله خواسته های اعلام شده ی کارگران است

زنده باد رزم متحد کارگران علیه سرمایه داران!

چاره کارگران وحدت و تشکیلات است!*

**سرتگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری
اسلامی به دست مردم**

اعتصاب درخشان کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز

کارگران گروه ملی فولاد اهواز دوشنبه ۴ دی ماه برای سومین روز متوالی در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته هایشان و ممنوع الوردی شماری از همکاران خود اعتصاب کرده و دست به تجمع و راهپیمایی اعتراضی زدند. این اعتصاب و تظاهرات در حالی برگزار شد که درهای ورود و خروج شرکت کنترل داشت. راهپیمایی اعتراضی کارگران فولاد اهواز از محل شرکت تا میدان بقایی در ابتدای جاده خرمشهر انجام شد. رفع محدودیت ورود به شرکت کارگران تعلیق شده و بازگشت به کار همکاران اخراج شده قبلی، همسان سازی دستمزدها برابر با کارگران شرکت های فولادی همجوار، اجرای کامل و فوری طبقه بندی مشاغل، برکناری مدیرعامل فاسد و خلع مالکیت از بانک ملی و مشارکت کارگران در امر مدیریت شرکتی از جمله خواسته های کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز است

مطالبات این کارگران بطور مختصر به شرح زیر است:
یکم:



تجمع بازنشستگان در چندین شهر ایران برای افزایش حقوق و علیه فساد ارزی ۳,۴ میلیارد دلاری

بازنشستگان در شوش فساد ارزی ۳,۴ میلیارد دلاری شرکت کشت و صنعت چای دیش را سوژه کنایه زدن به مقام‌های دولتی کردند و شعار دادند «چای‌ای دیش عالی، سفره ما خالی» و «چای می‌زنیم تو لیوان، لعنت بر مدیران بازنشستگان تأمین اجتماعی و صندوق حمایت از کارکنان فولاد به سنت هفته‌های قبل در چند شهر تجمع کردند. آنها این بار فساد ارزی و ویژه‌خواری شرکت کشت و صنعت چای دیش را سوژه کردند تا به حکومت طعنه بزنند چطور است که برای افزایش حقوق بازنشستگان بودجه ندارد اما سه میلیارد دلار را به یک شرکت خانوادگی پرداخت کرده است. در شوش بازنشستگان تأمین اجتماعی که مقابل ساختمان فرمانداری تجمع کردند، چای دیش را در شعارهایشان گنجانند. در ویدئوهایی که منابع نزدیک به کارگران منتشر کردند، دو تن از معترضان در حال توزیع چای هستند و صدای جمعیت که شعار می‌دهند «چای‌ای دیش عالی، سفره ما خالی»، «چایی می‌زنیم تو لیوان، لعنت بر این مدیران» و «حقوق نصفه نیمه، چای نخوری همینه» به گوش می‌رسد. در یک ویدئو دیگر هم شعار «حقوق ما ریالی، چای‌ای دیش دلاری» به گوش می‌رسد که به صورت مستقیم به فساد ۳,۴ میلیارد دلاری شرکت کشت و صنعت چای دیش اشاره داشت.

این شرکت که سهام آن در اختیار خانواده رحیمی در آباد است طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ حدود ۳,۴ میلیارد دلار ارز با نرخ سامانه نیمایی برای واردات چای و تجهیزات پیشرفته بسته‌بندی چای دریافت کرد اما یا اصلاً کالایی وارد نکرد یا چای درجه دو را به جای

چای درجه یک وارد کرد و به قیمت بالاتر در بازار فروخت. روزنامه شرق ۱۹ آذر فاش کرد سرمایه شرکت کشت و صنعت دیش در سال ۱۴۰۰ ناگهان ۶۹ برابر شده و به شش هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان رسیده است. این افزایش به گفته روزنامه شرق از محل «آورده سهامداران» یک اعضای خانواده رحیمی در آباد هستند، تأمین شده است. این میزان افزایش سرمایه در حالی صورت گرفته که سود این شرکت تنها ۱۰۰ میلیارد تومان اعلام شده است.

در روزهای گذشته پس از افشای فساد ارزی شرکت کشت و صنعت چای دیش، مدیران دولتی تلاش کردند این فساد را به دولت حسن روحانی نسبت بدهند. رئیس قوه قضاییه اما فاش کرد که بخش بزرگی از ارز در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ به خانواده رحیمی در آباد پرداخت شده است و وزیر جهاد کشاورزی هم در پیوند با این پرونده و البته فساد ارزی در واردات دانه‌های روغنی مجبور به استعفاء شده است. غلامحسین محسنی اژه‌ای به نقل از مقام‌های دولتی ادعا کرد که ۶۰ مدیر در ارتباط با این موضوع برکنار شده‌اند. او اما گفت که هیچ یک از این مدیران به قوه قضاییه معرفی نشده‌اند.

بازنشستگان معترض که بیش از یک سال است به صورت هفتگی در خیابان حضور دارند و خواستار همسان‌سازی حقوق بازنشستگان، افزایش حقوق دوره بازنشستگی بر اساس سبب معیشت واقعی، برخورداری از بیمه درمانی کامل و رایگان و سهم بودن کارگران شاغل و بازنشسته در مدیریت و سود شرکت‌های متعلق به سازمان تأمین اجتماعی هستند، در شوش با شعار «اختلاس اختلاس، مایه فقر و فساد» و در اراک با شعار «یه اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه» به ناتوانی حکومت در مبارزه با فساد نیز کنایه زدند.

گروهی از بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای اهواز و کرمانشاه هم به خیابان آمدند. در کرمانشاه بازنشستگان تأمین اجتماعی یک بنر کوچک که بر آن نوشته شده بود «تأمین اجتماعی، لشکری کشوری اتحاد اتحاد» در دست داشتند. آنها دولت و مجلس ورشکسته را «دشمن بازنشسته» خواندند.

بازنشستگان اهوازی هم خواهان لغو حکم صادر شده علیه فرزانه زیلابی، وکیل کارگران جنوب شدند.

تلخیصی از گزارش تجمعات بازنشستگان منتشره در کانال رادیو زمانه ۱۹ آذر ۱۴۰۲*



نامه‌ای از ایران. درد دل مردم

دو راه حل برای دفع

خطرعلیه موجودیت ایران

توحش توام با جسارتی که اسرائیل در بمباران غزه از خود نشان داده و طرح بمباران اتمی غزه از سوی یکی از اعضای کابینه نتانیاہو، نشان داد که خطر علیه ایران چه ابعادی می‌تواند به خود بگیرد. بویژه که ناوگان حامل موشک‌های اتمی امریکا نیز در خلیج فارس مستقر شده است.

این تهدیدها و حتی احتمالات به معنای ترس و عقب نشینی و از آن بدتر، «کرنش» در برابر امریکا نیست، زیرا با هر قدم عقب نشینی، امریکا دو قدم به جلو برخواهد داشت. بلکه راه حل دو پیشنهاد است: **یکم**، تقویت باز هم سریع‌تر قدرت نظامی و اتمی ایران، درعین مراعات دقیق‌ترین سیاست‌های دیپلماتیک جهانی و منطقه‌ای؛ **دوم**، چاره‌اندیشی برای آشتی مردم با حکومت و یافتن راه حلی برای جلب حمایت و اعتماد مردم، که ظاهراً این راه حل دوم، حتی دشوارتر از تقویت قدرت اتمی در راه حل اول است.

راه حل اول، اصول مراعات‌های ایمنی و امنیتی و آشکارسازی خود را می‌طلبد و راه حل دوم تجدید نظر سریع و اساسی در سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی و مذهبی ۴ دهه گذشته را طلب می‌کند. ماجرای انفعال و حتی بی‌اعتنائی اکثریت مردم ایران به حوادث غزه در هفته‌های اخیر ضعف بزرگ ناشی از حاکم شدن بیگانگی میان مردم و حکومت را بیش از هر زمانی آشکار کرد. حتی در راهپیمائی‌های بی‌رمق و سازماندهی شده ۱۳ آبان نیز این بیگانگی و جدائی اکثریت مردم از حکومت را

تأیید کرد. تقسیم جامعه به خودی و غیر خودی، تحمیل قوانین من در آوردی اسلامی به مردم و بویژه به زنان، ناتوانی در از قدرت به‌زیر کشیدن مافیاهای اقتصادی، جمع کردن بساط بانکها، تصمیمات سریع برای بهبود زندگی اقشار و طبقات غارت شده و خاتمه بخشیدن به ملوک‌الطوایفی در استانهای کشور میان امام جمعه‌ها و فرماندهان سپاه و مقامات دولتی گام‌های نخست هستند اما نه با تاخیر بلکه به‌فوریت. صدا و سیما باید دگرگون شود و چهره‌ای تازه به‌خود بگیرد.

این دگرگونی نیز می‌باید به‌سرعت برق و باد انجام شود. از لباس زنان و ته‌ریش مسلمان‌نمائی مردان که بر صفحه تلویزیون ظاهر می‌شود آغاز می‌شود و از دالان تجدید نظر در تولید برنامه‌ها می‌گذرد. دولت ضعیف و ناتوان باید جراحی شود. دولتی که توان تغییر رئیس اتاق بازرگانی ندارد و در گرفتن مچ دست فلان بانک خصوصی ناتوان است، چگونه می‌تواند پل اعتماد میان حکومت و مردم را برقرار کند. به‌همین ترتیب است مجلس ناکارآمد و قوه قضائیه فاسدی که از داخل و خارج ایران در آن نفوذ شده و کانون ناراضی تراشی است.

قدرت‌های خارجی و در راس آنها امریکا، بخوبی بر دو راه حلی که مطرح شد اشراف دارند.

برای جلوگیری از قدرت نظامی و اتمی ایران از هیچ جنجال و جنگ روانی و تهدید غفلت نمی‌کنند و برای ادامه فلج حکومتی و ادامه جدائی مردم از حکومت نیز تمام نیروی تبلیغاتی خود را به خدمت گرفته‌اند. در داخل حکومت باندازه کافی سوژه برای این جنگ تبلیغاتی ساخته می‌شود. تمام آنچه که توصیه شد، در جهت حفظ تمامیت ارضی کشور و نیفتادن ایران در دامن یک جنگ خانگی و سپس دخالت خارجی است. این توصیه‌ها هیچ منافاتی با حفظ همه انتقادات و مخالفت‌ها با روش‌های حکومتی در جمهوری اسلامی ندارد.*



باور به اصولیت شرط هر مبارزه انقلابی و جلب اعتماد مردم است.

چند نکته پیرامون هلهله اپوزیسیون ارتجاعی و دادگاه
استیناف سوئد

دادگاه استیناف سوئد بارد درخواست تجدید نظر حمید نوری با نام مستعار عباسی حکم حبس ابد او را تایید کرد «او به خاطر مشارکت در کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ به حبس ابد محکوم شده بود.» اپوزیسیونی که برای چنین اقدامی هلهله کرد و هورا کشید اپوزیسیون مستقل و انقلابی نیست، اپوزیسیون حقیر و خودفروخته‌ای است که دفاع از «حقوق بشر» و محاکمه جنایتکاران رژیم ایران به یک دادگاه امپریالیستی که سرنخش در دست ناتو و سازمان‌های جاسوسی آمریکاست سپرده است اپوزیسیون مستقلی که مدافع حقوق بشر است نمی‌تواند حامی تحریم‌های اقتصادی و مداخله نظامی به ایران باشد. این اقدامات همدستی با تمام آن دستگاه‌هایی است که حقوق بشر را در سراسر جهان با یاری قدرت نظامی، قضائی و قوانین خود زیر پا می‌گذارند.

عناصری نظیر حمید نوری باید مانند سایر جنایتکاران در دادگاه خلق در ایران محاکمه شوند، در سرزمینی که در آن مرتکب این جنایات شده‌اند و نه در کشور سوئد که نه سرپایز است و نه ته‌پایز و اکنون بعنوان ژاندارم و جاسوس آمریکا و پیمان نظامی ناتو نقش ایفا می‌کند کسانی که به عدالت خواهی دادگاه‌های امپریالیستی صهیونیست چشم بسته و آنها را تبلیغ

می‌کنند به چشم مردم ایران و جهان خاک می‌پاشند و در پی تبرئه جنایات امپریالیسم و استعمار هستند. حقوق بشر برای آنها ابزاری برای کسب و کار و خیانت ملی و اعاده حیثیت از استعمارگران تاریخ است.

معلوم نیست این جبهه متحد سلطنت‌طلب مجاهد چپ لیبرال و امانده خط سومی به چه مناسبت از «دادگاه»‌های آمریکا یا سوئد خواهان محاکمه ساواکی‌های فراری و قاتل و در راس آنها پرویز ثابتی نیستند؟ آیا این نمونه نماد آشکار ماهیت خودفروخته آنها نیست؟

لازم به یاد آوری است این گروه‌های ضد ایرانی و صهیونیستی باید هر چند یکبار ترازنامه کارشان را برای تداوم دریافت حقوق بازنشستگی خود در مقابل مقامات مسئولان امنیتی دشمنان مردم ایران ارائه دهند. آنها باید این کارنامه خالی را پر کنند، خود را فعال نشان دهند، جنجال کنند، کارزارهای تبلیغاتی و سخنرانی‌های سفارشی در تلویزیون‌های بیگانگان ترتیب دهند، به پابوسی آمریکا، اسرائیل روند تا «آب باریکه» آنها خشک نشود. اقدامات این اپوزیسیون حقیر، دفاع از حقوق بشر نیست، همدستی با تمام آن دستگاه‌هایی است که حقوق بشر را در سراسر جهان با یاری قدرت نظامی، قضائی و قوانین خود زیر پا می‌گذارند.

حمید نوری باید مانند سایر جنایتکاران در دادگاه خلق در ایران محاکمه شود، در سرزمینی که در آن مرتکب این جنایات شده است

فقط یک دادگاه حق محاکمه جنایتکاران حاکم در ایران را دارد؛ دادگاه خلق است! ننگ بر حامیان امپریالیسم! توصیه می‌کنیم مقاله مفصلی که در توفان شماره ۲۵۸ ارگان مرکزی حزب کارایران در مورد دادگاه حمید نوری منتشر شد را مطالعه فرمائید!*

[www.toufan.org/Tufa.html/Dadgahe T 258.htm](http://www.toufan.org/Tufa.html/Dadgahe_T_258.htm)
<http://www.toufan.org/Tufa%20html/Dadgahe%20T%20258.htm>



بیانیه جمعی از ایرانیان طرفدار «صلح، آزادی و عدالت»

اسرائیل در غزه جنایت می‌کند، امریکا بر ادامه جنایت پافشاری

جمعی از ایرانیان طرفداران صلح- آزادی و عدالت بیانیه‌ای منتشر شده که بیش از ۲۲۰ تن آن را امضاء کرده‌اند. این نامه و یا «بیانیه» همچنان در حال امضاء، در داخل و خارج از کشور است. بیانیه مورد اشاره با عنوان «پافشاری ایالات متحده آمریکا بر ادامه نسل‌کشی اسرائیل در غزه را محکوم می‌کنیم» منتشر شده است. در این بیانیه چنین آمده است:

«در حالیکه وجدان جهانیان از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب- عالم، به بی‌سابقه‌ترین شکلی، از فجایع روزمره اسرائیل در غزه آزرده است، در شرایطی که روزانه صدها هزار تن از انسانها در اعتراض به تشدید جنایات اسرائیل در سرزمین‌های فلسطینی در سراسر جهان از جمله در خود آمریکا، به پا می‌خیزند و خواهان توقف این ویرانی و کشتار وحشیانه می‌شوند، در جلسه اخیر شورای امنیت سازمان ملل متحد (۹ دسامبر ۲۰۲۳)، قطعنامه پیشنهادی امارات برای آتش‌بس فوری در غزه، و در واقع برای توقف کودک‌کشی و ویرانی و قحطی در غزه، با توتی آمریکا رد شد! این در حالی است که این قطعنامه در میان ۱۵ عضو شورای امنیت، از ۱۳ رأی موافق و یک رأی ممتنع بریتانیا، یعنی کارگزار گوش بفرمان ایالات متحده، برخوردار بود. این رای، با وجود اینکه بیانگر واقعیت شرم آور اراده قاطع آمریکا بر تداوم جنایات اسرائیل در سرزمین‌های فلسطینی است، همچون دهها مورد دیگر، از جانب جامعه سیاسی جهان دور از ذهن نبود، چرا که پیشتر نیز تمامی ۳۴ قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل علیه اسرائیل توسط ایالات متحده و توگردیده و ۳ نمونه از تو در همین دو ماه گذشته اتفاق افتاده است. اما آیا خشم و نفرت را هم در افکار عمومی جهان دامن زده است؟ آیا این موضع‌گیری آشکار علیه حقوق اولیه محرومترین مردم جهان، ترفندهای امپریالیسم رسانه‌ای برای مغزشویی و گمراهی افکار عمومی را برملا نمی‌سازد؟ به گمان ما، دور نیست روزی که آمریکا و متحدان گوش بفرمان او این صاحبان زر و زور اسلحه در مقابل آگاهی یکپارچه بشریت، مستأصل و ناچار به عقب نشینی شوند. آمریکا خود را در مقام یک مدعی العموم برای جهان ما قرار داده است و برای حیات و ممانت ملتها تصمیم می‌گیرد. از همین بابت است که امروز پس از ریختن بیش از ۵۰ هزار تن بمب روی مردم غزه و کشتار بیش از ۱۸ هزار تن، از جمله بیش از ۷۰۰۰ کودک، و به‌جای گذاشتن نزدیک به ۵۰ هزار مجروح، بدون هیچ شرمی ادامه آتشباران بر روی کودکان و مردم گرسنه، تشنه و محصور شده‌ی غزه را رقم می‌زند.

ما جمعی از ایرانیان حامی صلح، آزادی و عدالت اجتماعی و نیز پشتیبان استقلال ملی و حاکمیتی ملت‌های جهان، این رفتار ضدبشری ایالات متحده آمریکا و استانداردهای دوگانه و چندگانه آن از یک سو و از سوی دیگر، عدم واکنش کافی سازمانهای بین‌المللی را محکوم می‌کنیم و معتقدیم تغییر این نظم ناعادلانه و لجام‌گسیخته، وظیفه وجدانهای بیدار تک تک انسانها و شهروندان ساکن این سیاره است. ما مردم ایران و جهان را به اعتراض و مخالفت بی‌وقفه با این تجاوز پیشگی دعوت می‌کنیم. ما بخاطر طولانی بودن لیست اسامی امضاکنندگان از انتشار آن معذوریم.*

اکنون این یکی از محبوب‌ترین پست‌های توئیتر انگلیسی زبان است: «این سه آمریکایی به مدت ۲۳ سال به ۹ کشور حمله کردند، ۱۱ میلیون غیرنظامی را کشته و هیچ کس آنها را «جنایتکاران جنگی» نمی‌نامد»

Joost Broekers @JoostBroekers

These 3 American men have invaded 9 countries in 23 years, killed 11 million civilians and no one calls them 'war criminals'.....



دادگاه‌های «حقوق بشری» استکهلم و تریبونال لندن شامل محاکمه این جنایتکاران جنگی فوق که میلیون‌ها انسان بیگناه را سلاخی کردند نمی‌شود

دادگاه‌های نمایشی و بوداری نظیر «ایران تریبونال»، «دادگاه مردمی آبان ۹۸ لندن» یا «دادگاه حمید نوری در سوئد» همگی دارای ماهیتی ارتجاعی است و با حمایت‌های مالی و معنوی ممالک امپریالیستی و غارتگر شکل گرفته و هدف معینی را دنبال می‌کنند. این دادگاه‌های امپریالیستی برای تحقق عدالت و رهایی مردم ایران نیستند، ابزاری در جهت توسعه نیات شوم قدرت‌های استعماری‌اند که جان انسان برایشان پشیزی ارزش ندارد. همدستی زمامداران آمریکایی و اروپایی با رژیم صهیونیستی اسرائیل در قتل عام مردم و نسل‌کشی در غزه نمونه روشنی از این انسان دوستی این جنایتکاران است. جریان «چپی» که برای تجاوز نظامی به ایران و محاکمه سران ج ا توسط ارتش آمریکا و دادستان سوئد بیتابی می‌کند، چپ و انقلابی نیست، نوکر امپریالیسم و صهیونیسم است که در صف مقدم هوراکشان این تجاوزات و دادگاه‌های استعماری قرار دارد! هوشیار باشیم فریب این دادگاه‌های نمایشی و امپریالیستی را نخوریم! هرگونه تغییر و تحول انقلابی و تغییر نظام حکومتی وظیفه مردم ایران است و بس!*

مسئولانی که نه درد کارگران و زحمتکشان را حس می‌کنند و نه تمایلی دارند تا از نعمات سفره انقلاب! بی‌بهره شوند، نه تنها قصد ندارند تا سیاست‌های ایران برپادده نئولیبرالی خود را کنار بگذارند بلکه با بی‌شرمی تمام وزیر ضد کار و کارگران آنان از روی شکم سیری و برای فریب، دلیل تورم را افزایش حقوق‌ها اعلام می‌کند. ایشان درباره حقوقشان گفته‌اند: «بنده فقط ۵۰ میلیون تومان! دریافتی حقوق دارم». ۵۰ میلیون تومان! ناقابل‌ی که بسیاری از مردم حتی خوابش را هم نمی‌بینند. البته باید اضافه کرد که این میزان حقوق به‌غیر از رانت و دزدی‌های ریز و درشتی می‌باشد که از سفره انقلاب نصیبشان می‌شود.

واقعیت این است که افزایش ۲۰۰ درصدی نیز، مزد و مستمری سال بعد را شاید به خط‌فقر امسال برساند. آتش آفت‌در شور شده است که حتی حاکم نیز مجبور به بیان بخشی از واقعیت شده است و در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس تاکید شده است که: «طی سه سال یعنی از سال ۹۶ تا ۹۹ نرخ فقر افزایش ۱۰ واحد درصدی داشته و به حدود ۳۱ درصد رسیده است». ولی ظلم و ستم سرمایه‌داران و حکومت ضد کار و کارگری ایشان نه تنها نمی‌تواند خللی در تلاش کارگران و زحمتکشان برای زندگی بهتر داشته باشد که باعث انگیزه قویتر برای مبارزه علیه نابرابری بوجود می‌آورد. در آذرماه مبارزه کارگران نفت و پتروشیمی و صنایع دیگر، پرستاران و کادر درمان و بازنشستگان به مبارزه بی‌امان خود برای بدست آوردن مطالبات برحق خود و یک زندگی شایسته و انسانی ادامه دادند که در ادامه بخشی از رخدادهای مبارزاتی آنان می‌آید.

نفت، گاز، پتروشیمی و نیروگاه‌ها ۱ آذر

کارکنان شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری، شاغل در واحد بهره‌برداری میدان پارس دره‌نی در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌های‌شان مجدداً دست به تجمع اعتراضی زدند. تجمعات اعتراضی کارگران نفت از ابتدای آبان ماه شروع شده است ولی با وجود گذشت دو ماه هنوز مسئولان پاسخگوی مطالبات برحق کارگران نیستند. اعتراض کارکنان رسمی وزارت نفت شاغل در مراکز عملیاتی نسبت به عدم رسیدگی به خواسته‌های زیر است: «حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مازاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک‌پی ناشی از تأخیر در اجرای آن، عدم دست‌درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت»

۴ آذر

کارگران پالایشگاه‌های مجتمع گاز پارس جنوبی در اعتراض به عدم تحقق مطالبات و بی‌توجهی و بدعهدی مسئولین وزارت نفت و مجتمع گاز، در محل این مجموعه تجمع کردند. پایین بودن حقوق و دستمزد، عدم اجرای بازنگاری طرح طبقه‌بندی مشاغل، عدم اجرای دو هفته کار و دو هفته استراحت برای



در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار، گزارشات و اعتراضات کارگری در آذر ۱۴۰۲ ماه

آذر ماه به پایان رسید و زمستان آغاز شد. اگر چه زمستان طبیعت زیبایی با یلدای بلند خود نوید دهنده نور و زایش است، ولی برای زحمتکشان پیام دیگری نیز دارد که «بدون تلاش برای بهروزی» تنها سرما، سختی و خستگی می‌ماند بر تن مرارت کشیده‌ای که ضربات شلاق فقر، بیکاری و بی‌پولی را در طول سال به همراه داشته است.

یلدا و زمستان کارگران و زحمتکشان فقط و فقط با مبارزه‌ای متشکل، آگاهانه، پیگیر و بردبارانه به بهار پر گل و دلنشین تبدیل خواهد شد و لاغیراوقتی که یک شب یلدای ساده، یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان آب می‌خورد چگونه یک حداقل بگیر می‌تواند رنگ آجیل و انار و هندوانه در سفره حقیر خود ببیند؟ یلدا برای ما کارگران همچون جشن نوروز، فقیرانه برگزار خواهد شد، زمانی که سرمایه‌داران و مسئولان حکومت سرمایه‌داری، برای افزایش دستمزدی برابر با یک چهارم زیر خط فقر، شرط افزایش یک درصدی مالیات بر حقوق‌های حداقلی ما کارگران و زحمتکشان را پیش می‌کشند. صحبت از یلدا با توری که زندگی را برای بسیاری از مردم این مرز و بوم قسطی کرده است آن هم به‌شکلی که بسیاری از مردم حتی نان و دیگر مواد غذایی را نسیه تهیه می‌کنند و مردان شرمند زنی و بچه خود، و زن‌ها شرمند کودکان و همسر درمانده خود می‌شوند، صحبت از رویاست. واقعیت این است که حداقل‌های زندگی روزمره آقازادگان و رانت‌خواران و مرفهان بی‌درد، رؤیای بسیاری از مردم کوچه و بازار است.

در حالی که تورم ۲/۵۲ درصد خوراکی‌ها و تورم ۸۶ درصد مسکن در آبان ماه، زندگی را بر کارگران و زحمتکشان جهنم ساخته است، قرار است دستمزدهای سال آینده برای کارمندان را ۱۸ درصد و برای بازنشستگان ۲۰ درصد افزایش دهند در صورتی که تورم واقعی تا بدینجا ۵۷ درصد بوده است.

نفت فلات قاره در «سکوی بهر گانسر»، «سکوی ابوذر»، جزیره لاوان، جزیره سیری و ... در روزهای مختلف آذر ماه در محل کار خود در اعتراض به عدم رسیدگی و پاسخگویی مسئولان به مطالبات برحق کارگران نفت تجمع اعتراضی برگزار کردند. اعتراض کارکنان نسبت به عدم رسیدگی به خواسته‌های زیر است: «حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مازاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک پی ناشی از تأخیر در اجرای آن، عدم دست‌درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت و ...»

بازنشستگان

۱ آذر

گروهی از شاغلین، بازنشستگان و بازماندگان نفت شیراز در مقابل صندوق بازنشستگی شیراز دست به تجمع اعتراضی زدند.

بازنشستگان و بازماندگان صنعت نفت شاهین شهر اصفهان با شعار «بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن!» تجمع اعتراضی خود را برگزار کردند و خواستار اخراج دو وزیر غیر نفتی از هیات انامی صندوق بازنشستگی شدند.

۵ آذر

گروهی از بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای اهواز، کرمانشاه، اراک، شوش و ... در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً و مطابق با یکشنبه‌های اعتراضی مقابل سازمان تامین اجتماعی در شهرهای مربوطه خود تجمع اعتراضی برگزار کردند. این تجمعات اعتراضی هر یکشنبه آذر ماه نیز همچون ماههای گذشته صورت گرفت.

۶ آذر

گروهی از بازنشستگان مخابرات استان‌های سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری، اردبیل، مرکزی، لرستان، فارس، آذربایجان غربی، گیلان، مازندران، خراسان شمالی، هرمزگان، اصفهان، تهران، آذربایجان شرقی، زنجان، خوزستان، کرمانشاه، کردستان و ... نسبت به عدم اجرای قانون و آیین نامه‌های داخلی استخدامی و رفاهی ۱۳۸۹ علیرغم وعده‌های مدیران شرکت مخابرات! در تجمع اعتراضی سراسری بازنشستگان مخابرات در دوشنبه‌های اعتراضی شرکت کردند. در تهران حضور نیروی انتظامی و جو امنیتی، مانع از تجمع بازنشستگان در مقابل ساختمان شرکت مخابرات ایران شد. این تجمعات اعتراضی هر دوشنبه آذر ماه نیز همچون ماههای گذشته برگزار شد.

۱۲ آذر

جمعی از بازنشستگان صنعت فولاد در تهران، اصفهان، اهواز، قائم شهر مازندران (ذغالسنگ البرز مرکزی) و رودبار گیلان (ذغالسنگ البرز غربی) مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد در منطقه مربوطه خود بطور همزمان تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواستار توجه به مطالبات و خواسته‌های خود

کارکنان بخش اداری و پشتیبانی مجتمع، زیرساخت نامناسب خوابگاه‌ها، فرسوده بودن امکانات و تجهیزات و عدم شمول قانون کار برای راننده‌های غیرمالک، وضعیت ضعیف خدمات رفاهی، مهم‌ترین مطالبات کارگران است. همچنین در روزهای گذشته پالایشگاه‌های چهارم، هفتم و نهم نیز برای دریافت مطالباتشان تجمع کرده بودند.

۲۷ آذر

کارکنان اخیرالاستخدام آزمونی و قانونی وزارت نفت در مراکز مختلف عملیاتی و ستادی، در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی، حقوق‌های پائین و ناعادلانه به نسبت دیگر کارکنان و عدم رسیدگی به خواست و مطالباتشان از سوی مسئولین وزارتخانه در محل کار خود تجمع کردند.

۹ آذر

جمعی از کارگران عسلویه و جنوب کشور با انتشار بیانیه‌ای مخالفت خود را با طرح افزایش سن بازنشستگی در لایحه برنامه هفتم توسعه اعلام داشتند. در بخشی از این بیانیه آمده است: «ما کارگران پروژه‌های نفت و گاز و پتروشیمی در نواحی عسلویه و کنگان و خوزستان و مکران و چابهار، بدین وسیله اعتراض خود را به تصویب این طرح ظالمانه و نسنجیده اعلام می‌کنیم و خواهان مجازات مسببین ورشکستگی صندوق‌ها و ترمیم خسارات و پرداخت بدهی‌ها از سوی دولت هستیم.»

۱۱ آذر

حدود ۱۵۰ نفر از کارکنان پتروشیمی آبادان در اعتراض به معوقات مزدی (۴۰۰ نفر از کارگران یک ماه حقوق و سه ماه بیمه و ۱۰۰ نیروی پیمانکار هم دو ماه حقوق) مقابل پتروشیمی آبادان تجمع اعتراضی برپا کرده و خواستار پرداخت مطالباتشان شدند.

۱۷ آذر

کارگران ارکان ثالث پالایشگاه آبادان در روزهای ۱۵ تا ۱۷ آذر ماه به دنبال محقق نشدن خواسته تبدیل وضعیت، عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و عدم صدور نفت کارت و بن کارت، دریافت تسهیلات کم‌بهره همانند همکاران رسمی و قراردادی و همکاری در ایجاد تعاونی مسکن کارگری و برخی دیگر از مطالبات عرفی و مناسبتی دست به اعتراض صنفی زدند. در روز پانزدهم آذر مقابل ساختمان مرکزی تجمع اعتراضی برگزار کرده و خواستار پیگیری و رسیدگی به مطالبات خود شدند. اعتراض سه روزه کارگران ارکان ثالث پالایشگاه آبادان با وعده مسئولان پالایشگاه برای برگزاری جلسه با مدیر عامل خاتمه یافت. کارگران تصریح کردند که خواسته ما مشخص شدن وضعیت شغلی و پرداخت مطالباتمان است. بنابراین با اعتماد به وعده‌های داده شده، به اعتراضات صنفی خود تا روز دوشنبه پایان دادیم.

۲۹ آذر

کارکنان شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری مقابل ساختمان مدیریت شرکت در آغاچاری و کارگران شرکت

بهداشت و درمان

۱ آذر

گروهی از پرستاران سندج در اعتراض به عدم پرداخت حق و حقوق قانونی خود در مقابل استانداری در شهر سندج تجمع اعتراضی برگزار کردند. قابل ذکر است که پرستاران بیمارستان بعثت سندج در اعتراض به شرایط طاقت فرسای کار، حقوق‌های ناچیز، معوقات و تبعیض در پرداخت کارانه و تعرفه‌های پرستاری در «روز سه‌شنبه ۳۰ آبان» نیز در محوطه بیمارستان دست به تجمع زده بودند.

گروهی از پرسنل بیمارستان حضرت ولیعصر فسا در اعتراض به شرایط پرداختی در تعرفه‌گذاری و معوقات خود دست به تجمع اعتراضی زدند.

۱۱ آذر

گروهی از پرستاران خرم‌آباد در اعتراض به شرایط طاقت فرسای کار و معیشت و حقوق‌های ناچیز مقابل ستاد دانشگاه علوم پزشکی خرم‌آباد تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۱۳ آذر

در روزهای اخیر، شماری از پرستاران در اراک و لرستان، نسبت به پرداخت ناچیز تعرفه‌گذاری و شرایط معیشتی و شغلی خود اعتراض کردند.

پرستاران با بیان اینکه سفره‌های ما خالی‌ست؛ پرسیدند: تعرفه‌ی قانونی ما کجاست؛ چرا به ما پرداخت نمی‌شود؟ چرا قوانین پرستاری علیرغم اینهمه مطالبه‌گری اجرا نشده است؟ یک پرستار اراکی می‌گوید: پرستاری یک شغل حاکمیتی‌ست و نباید زندگی پرستاران اینگونه باشد؛ ما به عدم اجرای صحیح قانون تعرفه‌گذاری، اجرا نشدن فوق‌العاده خاص و اضافه‌کارهای اجباری با حق‌الزحمه‌ی ناچیز اعتراض داریم. در روزهای مختلف آذر ماه پرستاران و کادر درمان در شهرهای مختلف در اعتراض به پرداخت ناچیز تعرفه‌گذاری و شرایط معیشتی و شغلی خود اعتصاب و تجمعات اعتراضی برگزار کردند.

کارگران دیگر

۱۳ آذر

در سومین روز از اعتصاب و تجمع کارگران ذوب آهن اصفهان، کارگران که در دسته‌های چندصد نفری از ساعات اولیه شروع کار به سمت محل تجمع همیشگی به راه افتاده بودند در میان راه با ماموران گارد ویژه و حراست مواجه گردیده و عده‌ای از آنان بازداشت شدند و در نهایت تجمع شکل نگرفت. کارگران بعد از تشکیل نشدن تجمع به محل کار رفته ولی از کار کردن خودداری کردند.

همچنین کارگرانی که برای زدن کارت ورود به کارخانه به نگهبانی وارد شده بودند با فقدان کارت و عدم ورود به کارخانه مواجه شدند. بیش از صد کارگر از ورود به کارخانه منع شدند.

شدند. این بازنشستگان خواستار «اجرای بند یک صورتجلسه ۱۵ مهر ماه هیات مدیره»، «اجرای طرح تکمیلی همسان‌سازی»، «دریافت مطالبات معوقه»، «تضمین اجرای تعهدات درمانی مطابق با آیین‌نامه فولاد» و «اجرای آیین‌نامه و قوانین خاص فولادی و احیای جایگاه آن» و «افزایش حقوق سال ۱۴۰۲» خود بر اساس نرخ تورم هستند. این تجمعات اعتراضی روزهای یک‌شنبه آذر ماه، همچون یک‌شنبه ماه‌های گذشته صورت گرفت.

۱۳ آذر

گروهی از بازنشستگان صدا و سیما در اعتراض به عدم پاسخگویی به خواسته‌های برحق خود، همچون همسان‌سازی حقوق، ۵۰ درصد فوق‌العاده ویژه دولت، بهبود وضعیت بهداشت و درمان و رفاه بازنشستگان بار دیگر مقابل مسجد بلال صدا و سیما، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۱۴ آذر

گروهی از بازنشستگان و بازماندگان صندوق بازنشستگی نفت در اهواز در محل کانون بازنشستگان واقع در خیابان امانیه در اعتراض به عدم پرداخت حق و حقوق قانونی خود و حضور دو وزیر دولتی، در هیأت اماناء صندوق خصوصی نفت دست به تجمع اعتراضی زدند. «شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد!»

۱۹ آذر

جمعی از بازنشستگان و شاغلین صنعت نفت مقابل درب شماره ۳ شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب (ساختمان دو طبقه و چهار طبقه) در اهواز تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۲۰ آذر

گروهی از بازنشستگان مخابرات در اعتراض به شرایط اسفناک معیشتی و عدم رسیدگی به مطالباتشان در استان‌های زنجان، کرمانشاه، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، لرستان (شهرهای خرم‌آباد و بروجرد)، مازندران، همدان، اراک، هرمزگان، آذربایجان شرقی، تهران، گیلان، کرمان، کردستان (شهرهای بیجار، سندج و مریوان)، چهارمحال و بختیاری، اردبیل، خوزستان (شهرهای اهواز و دزفول)، اصفهان و ... تجمع و راهپیمایی اعتراضی برگزار کردند. «اجرای آیین‌نامه حق مسلم ماست!»

۲۸ آذر

گروهی از بازنشستگان کشوری در شهرهای سندج، کرمانشاه، اهواز، همدان، شیراز، قزوین و ... در اعتراض به وضعیت اسفبار معیشتی و عدم رسیدگی و پاسخگویی مسئولان به مطالبات برحق بازنشستگان، بار دیگر بطور همزمان مقابل صندوق بازنشستگی در شهرهای مربوطه خود تجمع و راهپیمایی اعتراضی برگزار کردند. در شهر اهواز بازنشستگان در پایان تجمع خود که مقابل استانداری برگزار شده بود، بیانیه‌ای را که به امضاء بازنشستگان رسیده بود خواندند و آن را به دست مسئولان رساندند. «معلم زندانی آزاد باید گردد!»، «کارگر زندانی آزاد باید گردد!»



اسرائیل باید خودش را از دست خودش نجات دهد

علیرغم سانسور اخبار مربوط به رزمندگان مقاومت فلسطینی توسط نشریات و سخنگویان غربی و گزارشات دروغ و خالی‌بندی‌های رسانه‌های اروپا و آمریکا، گفته‌ی «یهودالموت»: «نابودی حماس هرگز محقق نخواهد شد»، نشان از وخامت وضعیت جنگی ارتش اسرائیل در غزه دارد در زیر به چند نمونه اشاره می‌کنیم

یکم: به نوشته روزنامه «یدیعوت آحارونوت»؛ از ابتدای عملیات «طوفان الاقصی» ۵۰۰۰ نظامی زخمی به بیمارستانهای اسرائیل منتقل گردیدند که ۲۵۰۰ نفر آنها معلول دائم شدند

دوم: همین روزنامه ضمن ابراز نگرانی از اوضاع ارتش اسرائیل نوشت؛ ۱۷ درصد کشته‌شدگان افسران عالی‌رتبه اسرائیلی هستند که در رویارویی با رزمندگان فلسطینی ۳ سرتیپ و ۴ ژنرال ارتش اسرائیل کشته شده‌اند. و در ادامه می‌نویسد که به نیروهای ویژه «گولانی» ضربات سنگینی وارد شده است که تا کنون ۸۲ افسر و نظامیان خود را از دست داده است.

سوم: تاکنون ۱۳۶ کارمند سازمان ملل در این تجاوز وحشیانه اسرائیل جان باختند

چهارم: واشنگتن‌پست نوشت؛ اسرائیل مقابل حماس پیروز نشد و فقط غزه را نابود کرد

پنجم: روزنامه «هاآرتص» به تغییرات جدید در ارتش و خستگی سربازان اشاره کرد

ششم: کشتی جنگی صهیونیستهای آمریکایی با نام «اتلاف علیه یمن» تقریباً به گل نشست

هفتم: یحیی السنوار، پیکارگر برجسته و نستوه حماس، به میانجیگران آتش‌بس اطلاع داد که تنها پس از آتش‌بس کامل برای توافق که شامل آزادی «همه در مقابل همه» باشد موافق است و نه با آتش‌بس‌های موقتی و فریبکارانه تحت نام «وقفه بشردوستانه»!

هشتم: حداقل ۱۵۳ کشور جهان و به عبارتی ۹۰ درصد مردم کره زمین تنفر و خشم خودشان را بارها به جنایات و قتل‌عام غیرنظامیان فلسطینی توسط نئونازی‌های حاکم بر «کشور» جعلی و من‌درآوردی اسرائیل نشان داده‌اند

نهم: ارتش اسرائیل تا کنون صدها کشته داشته و ده‌ها تانک و نفربر و ادوات زرهی دیگر را از دست داده است بنابر این ارتش صهیونیستی و درنده‌خوی اسرائیل چاره‌ای ندارد مگر اینکه خودش را از دست خودش نجات بدهد*

کارگران ذوب‌آهن اصفهان با انتشار بیانیه‌ای از اعتصاب کارگران حمایت کرده و سرکوب کارگران معترض را محکوم ساختند. در قسمتی از این بیانیه آمده است: «اعتراض و مطالبه‌گری حق قانونی ما کارگران است و به اعمال فشار و آزار همکارانمان را پایان دهید. ... حال که پس از اعتراض حق خواهانه و قانونی ما، مدیریت و حراست در مقام دشمنان اصلی کارگران ذوب‌آهن دوباره ناجوانمردانه و خیانت‌بار دست به کار شده و با به‌زحمت انداختن و آزار چندین تن از همکاران ما مقصد تداوم اعمال ظلم و تضییع حقوق ما کارکنان ذوب‌آهن را دارند باید نکاتی را صریحاً اعلام کنیم: «همکارانی را که بازداشت شده‌اند باید به‌فوری و بدون هیچ قید و شرطی آزاد گردند.» «مشکل همکارانی که در روند ورود و خروجشان اختلال ایجاد شده و یا کارت‌هایشان متوقف شده است باید سریعاً برطرف گردد.» ما قاطعانه بر خواست‌های خود از جمله تصحیح و اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل، افزایش مزد و پاداش و دیگر خواسته‌های خود تاکید داریم. فکر دور زدن و نادیده گرفتن مطالبات ما را از سر بیرون کنید. به‌فوری باید اقداماتی در راستای تحقق خواسته‌های ما کارگران آغاز کرده و اعلام نمائید. در خاتمه قاطعانه اعلام می‌کنیم که قدرت و اراده‌ی ما کارگران را دوباره آزمایش نکنید! ...»

۲۹ آذر

کارکنان کارخانه آب معدنی داماش در اعتراض به بی‌توجهی کارفرما به مطالبات مزدی خود دست از کار کشیده و کار در کارخانه را متوقف کردند.

به گفته یکی از کارگران: بعد از گذشت چند روز اعتراض صنفی برای وصول مطالبات مزدی، متأسفانه هیچ مسئولی در کارخانه حاضر نمی‌شود و پاسخگوی مطالباتمان نیست. به گفته وی؛ کارگران دو تا سه ماه از مطالبات مزدی مربوط به مهر، آبان و آذر ماه سال جاری خود را در حالی طلبکارند که کارخانه آب معدنی داماش دارای تولید و بازار فروش خوبی است و روزانه ده‌ها هزار لیتر آب معدنی و آشامیدنی تولید و به فروش می‌رساند.

مبارزات خستگی‌ناپذیر کارگران و زحمتکشان با نیروی بسیار ورزمنده‌گی بی‌مثال ادامه دارد ولی آنچه ما کارگران علاوه بر آن به آن نیاز داریم تشکلات مستقل درمحل کار واتحاد تمامی سندیکاها در یک اتحادیه سراسری صنفی دموکراتیک است. ما کارگران نمی‌بایست بردباری را از دست بدهیم و گمان بریم که یک شبه می‌توان به مقصد رسید. راه رسیدن به دنیای برابر، دنیای تحت تسلط طبقات فرودست، سخت و طولانی ولی با شکل و آگاهی بدست آمدنیست.

چاره زحمتکشان وحدت و تشکیلات است!



اتلاف بین‌المللی ۱۰ کشور در دریای سرخ محکوم به شکست است

شرکت‌های بزرگ کشتیرانی تردد از طریق تنگه باب‌المنندب را به طور موقت متوقف کردند. این شرکت‌ها شامل Maersk دانمارکی، Hapag-Lloyd آلمان، CMA CGM فرانسوی، و MSC ایتالیایی-سوئیسی هستند. امریکا از تشکیل ائتلاف دریایی نظامی با حضور ۵ کشور برای مقابله با حملات حوثی‌های یمن در دریای سرخ خبر داد. این ائتلاف از ۵ کشور یعنی امریکا، انگلیس، بحرین، کانادا، فرانسه، ایتالیا، هلند، نروژ، سیشل و اسپانیا تشکیل شده است. از میان کشورهای منطقه فقط بحرین در این ائتلاف مشارکت کرده است. غیبت عربستان سعودی، امارات و مصر بیش از دیگر کشورها در این ائتلاف قابل توجه است.

بحرین نیز خود میزبان ناوگان پنجم نیروی دریایی امریکاست. امریکا این ائتلاف را برای مقابله با حملات حوثی‌های یمن به کشتی‌های تجاری مرتبط با اسرائیل و اسرائیلی‌ها تشکیل داده است. در هفته‌های اخیر حملات حوثی‌های یمن به کشتی‌های تجاری مرتبط با اسرائیل در دریای سرخ باعث توقیف حداقل یک کشتی و آسیب دیدن چند کشتی دیگر شد. به همین دلیل، هزینه بیمه کشتی‌ها در این مسیر به شدت افزایش یافت. ۵ شرکت بزرگ کشتیرانی نیز رفت و آمد در دریای سرخ را متوقف کرده‌اند.

جزئیات ائتلاف جدید

«لوید آستین» وزیر دفاع آمریکا روز دوشنبه از تشکیل یک ائتلاف بین‌المللی متشکل از ۱۰ کشور برای مقابله با حملات مکرر حوثی‌ها به کشتی‌هایی که آنها «مرتبط» با اسرائیل در دریای سرخ می‌دانند، خبر داد. در بیانیه‌ای از سوی لوید آستین، وزیر دفاع ایالات متحده آمده است: کشورهایی که به دنبال اصل اساسی آزادی دریانوردی هستند باید برای مقابله با چالش ایجاد شده، با هم همکاری کنند. خبرگزاری فرانسه نوشت: نیروهای حوثی مورد حمایت ایران حملات خود را به تانکرهای نفت، کشتی‌های باری و دیگر کشتی‌ها در دریای سرخ تشدید کردند. آنها می‌گویند با این اقدامات تلاش می‌کنند اسرائیل را به دلیل جنگ با حماس در نوار غزه تحت فشار قرار دهند. وزیر دفاع امریکا گفت که اتحاد امنیتی «با هدف تضمین آزادی

دریانوردی برای همه کشورها و ارتقای امنیت و رفاه منطقه‌ای» کار خواهد کرد.

این ائتلاف شامل ۱۰ کشور یعنی امریکا، بریتانیا، بحرین، کانادا، فرانسه، ایتالیا، هلند، نروژ، سیشل و اسپانیاست. حوثی‌های یمن روز دوشنبه اعلام کردند که «نیروهای مسلح یمن عملیاتی علیه دو کشتی مرتبط با رژیم صهیونیستی» انجام دادند. اولین کشتی سوان آتلانتیک با بارگیری نفت و دیگری کشتی MSC Clara حامل کانتینر بود. حوثی‌ها در بیانیه روز دوشنبه خود اخطار دادند: تا زمانی که برادران ثابت قدم ما در نوار غزه به آب و دارو نیاز دارند به همه کشتی‌هایی که عازم بنادر اسرائیل هستند، از هر ملیتی که باشند، در باره دریانوردی در دریای عرب و سرخ، هشدار می‌دهیم.

به گفته شرکت مالک Inventor Chemical Tankers، کشتی نروژی «M/V Swan Atlantic» روز دوشنبه در دریای سرخ مورد اصابت یک «شیء ناشناس» قرار گرفت. این شرکت در بیانیه‌ای گفت: «خوشبختانه به‌خنده کشتی آسیبی وارد نشد».

شرکت اشاره کرد نفتکشی که از فرانسه به سمت جزیره رئونیون حرکت کرده، هیچ ارتباطی با اسرائیل ندارد. کشتی «ام‌وی سوان آتلانتیک» اکنون تحت حفاظت نیروی دریایی آمریکا قرار دارد.

در حال حاضر اطلاعاتی در مورد دومین کشتی در دسترس نیست. به دنبال این حملات، شرکت‌های بزرگ کشتیرانی تردد از طریق تنگه باب‌المنندب را به طور موقت متوقف کردند. این شرکت‌ها شامل Maersk دانمارکی، Hapag-Lloyd آلمان، CMA CGM فرانسوی، و MSC ایتالیایی-سوئیسی هستند.

۴۰ درصد تجارت بین‌المللی دریایی از طریق این تنگه عبور می‌کند. شرکت نفت بریتانیا، بریتیش پترولیوم (BP) هم اعلام کرد حرکت تمامی کشتی‌های خود را «به دلیل وخامت اوضاع امنیتی برای حمل و نقل دریایی در دریای سرخ» به طور موقت متوقف کرده است. «فرونت‌لاین» چهارمین شرکت بزرگ نفتکش جهان که مقر آن در قبرس است هم اعلام کرد از عبور از دریای سرخ و خلیج عدن اجتناب خواهد کرد.

این حملات روز دوشنبه در حالی رخ داد که وزیر دفاع آمریکا پس از بازدید از بحرین میزبان ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا به اسرائیل سفر کرد.

وزیر دفاع امریکا در کنفرانس مطبوعاتی گفت: «در دریای سرخ، ما یک نیروی دریایی چند ملیتی را رهبری می‌کنیم تا اصل اساسی آزادی دریانوردی را حفظ کنیم. حمایت ایران از حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری باید متوقف شود.» ارتش آمریکا اعلام کرد یک ناوشکن آمریکایی روز شنبه ۱۴ پهپاد را که از مناطق تحت کنترل حوثی‌ها در یمن پرتاب شده بودند، در دریای سرخ سرنگون کرد. دولت بریتانیا هم گفت یکی از ناوشکن‌های این کشور یک پهپاد تهاجمی مشکوک را در این منطقه سرنگون کرد. آنچه از این همه هیاهو برمی‌آید آن است که اسرائیل جنگ با جنبش مقاومت فلسطین را باخته است و فراگیر شدن جنگ در منطقه نیز فرجامی جز شکست نخواهد داشت. شکاف در کشورهای عربی بعنوان متحدین آمریکایی یکی از دلایل شکست این ائتلاف است. حوثی‌ها در این نبرد دست بالا را خواهند داشت و آمریکا و متحدینش با توجه به جنگ اوکراین و شکست در آن جبهه توان درگیر شدن در یک جنگ فرسایشی را در دریای سرخ نخواهند داشت.*



علیه تجاوزات امپریالیستی برای صلح

در میان سران کشورهای عضو ناتو، بخصوص آمریکا و آلمان تا دلتان بخواهد راجع به جنگ و چگونگی دمیدن در آتش آن، چه در اوکراین و چه در غزه سخن رانده می‌شود. اما در باره راه‌های دستیابی به صلح دم بر نمی‌آورند. اخیراً آقای موتسنیش رئیس فراکسیون حزب سوسیال‌دموکرات پارلمان آلمان، که از نادر منتقدان سیاست میلیتاریستی دولت فعلی این کشور به‌شمار می‌آید، در کنگره حزبشان در این رابطه چنین اعتراف می‌کند: «من هرگز فکر نمی‌کردم که در میان سیاستمداران آلمان بیشتر در مورد چگونگی ادامه جنگ صحبت شود تا پیرامون پایان بخشیدن به آن.» و ادامه می‌دهد «من هرگز نفهمیدم که چرا واژه دیپلماسی برای بسیاری از سیاستمداران ما بیگانه شده است.» گسترش تفکر و عمل میلیتاریستی در کشور امپریالیستی آلمان به آن حد رسیده است که «یوشکا فیشر عضو حزب سبزها و وزیر خارجه جنگ طلب پیشین این کشور در سالهای ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۵ (که به حمله ناتو به یوگسلاوی سابق و وجود آوردن یکی از بزرگترین فجایع در اروپا رای مثبت داد) اظهار می‌دارد:

«آلمان باید بمب‌اتم خود را داشته باشد!» حزب او و بسیاری از اعضای احزاب ائتلاف کنونی آلمان و نیز سایر احزاب دست‌راستی، مشترکاً با کوبیدن بر طبل جنگ، بر این نظرند که در دنیای کنونی، صلح که منظورشان همان سلطه استعمار نوین است تنها می‌تواند و باید به زور برقرار شود و پابرجا بماند!! بسیاری از این جنس سیاستمداران آلمان بر این نظرند که امروز باید از بمب‌اتم به‌مثابه یک سلاح بازدارنده بهره گرفت، زیرا که ما در جهان با یکسری از کشورهای اقتدارگرا روبرو هستیم! از این رو بهره‌مندی از سلاح هسته‌ای نیز سیاستی است مشروع، واقعینانه و در خدمت صلح!! میثائیل روت یکی از سیاستمداران میلیتاریست

حزب سوسیال‌دموکرات آلمان و نماینده پارلمان می‌گوید «صلح تنها به معنی آتش‌بس نیست بلکه یک حزب صلح طلب باید طرفدار داشتن سلاح بازدارنده باشد تا بتوان به ایجاد یک صلح عادلانه و پایدار جامه عمل پوشاند.» اما اکثریت اعضای این احزاب و نیز اکثریت مردم آلمان طرفدار آنچنان دیپلماسی هستند که به دنبال ایجاد صلح، بدون افزایش ماریپیچ‌وار انواع سلاح‌ها، از جمله سلاح هسته‌ای باشد.

اما بوریس پیستوریوس وزیر دفاع (بخوان وزیر جنگ) میلیتاریست آلمان، که عضو حزب سوسیال‌دموکرات نیز می‌باشد نوای دیگری می‌سراید.

او خواهان تجهیز جنون آمیز و آماده‌سازی ارتش این کشور برای جنگ و در عین حال ارتقای روحیه جنگ‌طلبی در مردم است. به همین دلیل او خواهان احیای سربازی اجباری در آلمان است پیستوریوس وزیر جنگ آلمان آگاهانه مشغول آماده ساختن عینی و ذهنی ارتش و شهروندان این کشور برای جنگ است.

در گذشته، بویژه در دهه ۸۰ میلادی حزب سبزهای آلمان، به‌مثابه یک حزب پاسیفیستی، همه‌ساله در روزهای عیدپاک تظاهرات وسیعی در دفاع از صلح و بر علیه جنگ سازماندهی می‌کرد. اما امروز مشغول ریختن هیزم در آتش جنگ است. مدت‌هاست که این حزب با دفاع از رژیم فاسد و فاشیستی زلنسکی و موافقت با گسیل اسلحه و کمک‌های میلیاردی مالی و نظامی به او، نه تنها او را به جنگ ترغیب می‌کند بلکه خود در رکاب آمریکا و ناتو عملاً در جنگ علیه روسیه شرکت کرده است. رهبران فاشیست این حزب هم‌آوا و همراه با مؤتلفینش همه جانبه از نسل‌کشی، پاکسازی قومی و به یک کلام جنایت علیه بشریت توسط نازی‌های حکومت صهیونیستی اسرائیل در نوار غزه نیز حمایت می‌کنند.

و بالاخره موافقت این حزب با اختصاص دادن ۱۰۰ میلیارد یورو از بودجه مملکت به تجهیزات ارتش آلمان جملگی نشان از آن دارند که رهبران وابسته به آمریکای این حزب عملاً سیاست صلح‌طلبی دیروز را به سرعت با یک سیاست راهبردی میلیتاریستی و جنگ‌طلبانه جایگزین ساخته‌اند.

اما اکنون هم‌پایه‌های این حزب و هم حزب سوسیال‌دموکرات آلمان و نیز اکثریت مردم این کشور در ضدیت با جنگ و دفاع از صلح به پا خاسته‌اند. آنها این خواسته‌های محقانه خود را مدام در تظاهرات‌های عظیم و با شکوه خیابانی به‌نمایش می‌گذارند. انصراف از ادامه سیاست میلیتاریستی و جلوگیری از جنگ خواسته‌های بر حق آنهاست. مردم نه تنها خواهان آتش‌بس، قطع فوری جنگ و قطع ارسال اسلحه به مناطق جنگی اند، بلکه خواهان انجام مذاکره جهت استقرار صلح پایدارند.*



Israel said to place \$400,000 bounty on Hamas leader Sinwar

Leaflets circulating on social media appear to offer monetary reward for information leading to top terror group leaders, including \$100,000 for military wing head, Ezzat

By EMMAUEL FABIAN and YU STAFF

14 December 2023, 11:09 am | WE 3



اعتراض مردم بی مسکن علیه "جهاد کشاورزی"

صبح روز دوشنبه ۲۰ آذر نزدیک به ۳۰۰ نفر از معترضین ، به نمایندگی از ۵۰۰۰ نفر که ۳۳ سال قبل قطعاتی از زمینهای بایر و غیرقابل کشاورزی ، معروف به زمینهای «جهان بین» واقع در شهرک مارلیک ملارد را به امید ساخت خانه خریداری کرده بودند ، جلوی جهاد کشاورزی شهرستان ملارد تجمع نمودند و اعتراضشان را نسبت به عدم صدور جواز ساخت و کارشکنی نهادهای حکومتی اعلام داشتند لازم است گفته شود که نهادهای ذیربط در تهران ، پس از سالها تلاش و دوندگی و هزینه های گوناگون بی مورد صاحبان زمین ، پرونده را از تهران به «جهاد کشاورزی شهرستان ملارد» ، ارجاع دادند تا در صورت تایید رئیس جهاد کشاورزی ملارد مبنی بر بایر بودن زمین ، مجوز ساخت مسکن صادر گردد ؟!!!

در این گردهمایی معترضین خشمگین ، «جناب رئیس» جهاد کشاورزی ، که از ترس ، حدود ۱۰ نفر نیروی نظامی مسلح و لباس شخصی را در محل فراخوانده بود ، با صدای لرزان و ضعیف به حضار «فرمودند» ؛ با اینکه می دانم که زمین غیرقابل کشت است ولی اجازه دهید تا خاک زمین به آزمایشگاه خاک شناسی فرستاده شود و در صورت تایید نظرم ، موافقت کتبی ام را به مقامات بالاتر گزارش دهم ؟!!! به نظر می آید که این رشته ، پس از گذشت سی سال ، هنوز سر درازی دارد و اراده و تمایلی در جمهوری سرمایه داری اسلامی ایران برای خانه دار شدن مردم بی مسکن وجود ندارد *

استیصال ارتش فاشیست اسرائیل

پخش اطلاعیه هایی از جانب ارتش فاشیست اسرائیل در بین مردم غزه و تعیین جایزه یک میلیون دلاری برای افشای اطلاعات و محل اختفای چهار نفر از فرماندهان برجسته نظامی حماس ، یحیی السنوار ۴۰۰ هزار دلار ، برادرش محمد السنوار ۳۰۰ هزار دلار ، رافع سلامه ۲۰۰ هزار دلار و محمد الضیف ۱۰۰ هزار دلار ، به معنی و مفهوم آن است که برعکس تبلیغات رسانه های دروغ پرداز و مزدبگیر خارجی و داخلی ، ارتش اسرائیل به رغم کشتار وحشیانه از زنان و کودکان بیگناه ، کاملاً در باتلاق غزه گیر کرده و هیچ نشانه ای هم از نابودی حماس نیست . لذا از سر درماندگی و عجز از اهل غزه یاری می طلبد که جنگندگان حماس را لو بدهید و دلار بگیرید !!! نانیاهو و دارودسته آدمخوارش در حزب لیکود حتما باید در زمره ابلهان تاریخی ، نظیر هیتلر ، باشند که در عالم تخیلات مالخویلیی شان گمان دارند که به زور اسلحه می توان کشورها را مسخر و انسانها را شکست داد و به زانو در آورد ؟! هیچ نیرویی در جهان ، چه نیروی لاهوتی و چه ناسوتی ، در درازمدت حریف آدمی و حرکت روبره جلوتاریخ نخواهد شد ارتش جنایتکار اسرائیل که قرار بود حماس را نابود کند و زمین غزه را از نوزاد و کودک و زن و مرد فلسطینی پاکسازی نماید و تمام آب دریای مدیترانه را بطرف تونلهای زیرزمین حماس پمپاژ کند ، چنان مثل خر در گل و باتلاق خودساخته گیر کرده که با وقاحت تمام ، طی اطلاعیه هایی ، دست یاری به سوی اهل غزه دراز کرده و با رشوه و التماس محل اختفای رزمندگان حماس را طلب می کنند

نانیاهو با تمام هارت و پورت هاش و با چهارمین ارتش قدرتمند جهانی اش و با کمک مالی و تسلیحاتی امپریالیسم آمریکا ، نه تنها نتوانسته از پس حدود ۴۰ هزار رزمنده فلسطینی در وسعتی به اندازه ۳۶۰ کیلومترمربع برآید بلکه صدها هزار نفر از جوانان آماده و جان برکف فلسطینی را برای پیوستن به حماس تشویق و ترغیب کرده است سرنوشت تمامی جباران تاریخ چیزی بجز هلاکت و جایی به غیر از زباله دان تاریخ نیست

«ثبت است بر جریده عالم دوام ما»

سرتگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی به دست مردم



اعتصاب کارگران علیه تسلا در سوئد و همبستگی و حمایت

اتحادیه‌های کارگری شمال اروپا

بزرگترین اتحادیه کارگری بخش خصوصی نروژ اعلام کرد که از روز ۲۰ دسامبر، ۲۹ آذر، به‌عنوان بخشی از جنبش رو به‌رشد کارگری در شمال اروپا در حمایت از کارکنان و مکانیک‌های اعتصابی در سوئد، ورود خودروهای تسلا به بازار سوئد را آغاز خواهد کرد. اتحادیه کارگران حمل و نقل فنلاند، ای کی تی، هم حمایت خود را از کارکنان و مکانیک‌های تسلا در سوئد اعلام کرده است. اتحادیه‌های کارگری سوئد به‌رهبری اتحادیه «آی اف متال» از حدود یک ماه قبل تلاش کرده‌اند تا این شرکت را وادار به امضای قراردادهای کار دسته‌جمعی با کارکنان و مکانیک‌های شرکت تسلا در سوئد کنند. کارگران بارانداز در سوئد از تخلیه خودروهای تسلا از کشتی‌ها خودداری کرده و بخش گسترده‌ای از کارگران برق کار، نظافت‌چی، کارکنان پست و حداقل یک سازنده قطعات خودرو در سوئد نیز گفته‌اند که از ارائه خدمات به تسلا خودداری خواهند کرد.

اتحادیه نروژی «فلس فور باندت» گفت که قصد دارد علامت روشنی به تسلا بفراستد و اقدامات لازم را برای اطمینان از مسدود شدن هرگونه حمل و نقل خودرو از طریق نروژ به سوئد انجام دهد، اما از اشاره به جزئیات این اقدامات خودداری کرد. یوئرن آگوم، رهبر این اتحادیه کارگری، در بیانیه‌ای گفت: «حق در خواست برای امضای قرارداد جمعی، بخشی آشکار از زندگی کاری ما است و نمی‌توانیم بپذیریم که تسلا خود را در خارج از این روند قرار دهد.» شرکت تسلا مخالف قرارداد دسته‌جمعی است و می‌گوید که کارکنانش شرایط مناسب و یا بهتر از شرایطی دارند که اتحادیه کارگری سوئد می‌خواهد. اما اتحادیه‌های کارگری در شمال اروپا می‌گویند که خودداری تسلا از این موضوع، قدرت و حقوق کارگران را برای مذاکره در باره دستمزد، مرخصی، حقوق اضافه‌کاری و سایر شرایط به‌چالش می‌کشد. پیش از این هم یک اتحادیه کارگری در دانمارک در روز سه‌شنبه ۱۴ آذر، اعلام کرده بود که با امتناع از تخلیه یا حمل خودروهای ساخته شده توسط تسلا برای مشتریان در سوئد، از مکانیک‌های سوئدی حمایت خواهد کرد. **زنده باد همبستگی و وحدت کارگران علیه سرمایه‌داران!***



نبرد غزه و به تکاپوافتادن مقامات آمریکایی و اروپایی برای برون رفت از باتلاق خودساخته

بیش از هشتاد روز از جنگ وحشیانه و کشتار زنان و کودکان فلسطینی می‌گذرد. نتایج‌ها گفته بود؛ تا نابودی حماس و آزادی همه زندانیان اسرائیلی، آتش‌بسی برقرار نخواهد شد! چنانکه پیداست تا این لحظه نه حماس نابود شد و نه همه زندانیان آزاد شدند. بخشی از زندانیانی هم که آزاد شدند، در سایه آتش‌بس هفت روزه بود! پس بر اتاق جنگ اسرائیل و پنتاگون معلوم شد که با قتل عام کور و وحشیانه نه تنها کاری از پیش نمی‌رود بلکه روز به‌روز و ساعت به ساعت خشم و نفرت جهانیان، حتی کارمندان کاخ سفید و سیاه در فرانسه و آلمان و انگلیس، روبه افزایش گذاشته و ادامه این وضع می‌تواند اثر بسیار منفی بر انتخابات پیش‌رو در آمریکا داشته باشد و چهره دولتمردان و دولت‌زنان یالانچی کاخ الیزه، بوندس‌تاگ آلمان، ساختمان شماره ۱۰ خیابان داوینگ انگلیس و باغ و بوستان جوزف بورل و اورسولافن درلاین را، مضحکه‌تر نماید!

در چنین موقعیتی است که جو بایدن، جیک سالیوان، لوید آستون معروف به گوریل پنتاگون، آنتونی بلینکن، نیکولاسارکوزی دزد، امانوئل مکرون و ریشی سوناک دلقک و حتی دیوید کامرون و غیره به تکاپو افتادند تا بلکه بتوانند اسرائیل را از این گرداب به‌در آورند! همه این جنایتکاران پس از سکوت ۶۷ روزه و تأیید حق دفاع اسرائیل در کشتار و مفقود شدن دهها هزار فلسطینی، در این چندروزه، چنان اشک تمساح برای غیرنظامیان غزه میریزند که خود تمساح هم از اینهمه سیاهکاری و ریاکاری، خنده‌اش می‌گیرد! جو بایدن، متهم ردیف اول، دوبار از نتایج‌ها خواسته بود که دولت راستگرا (فاشیستی) اش را ترمیم و دولتی نرم‌تر در کابینه مستقر نماید! در این راستا، وقتی دید که آنتونی بلینکن، وزیر خارجه اش در سفر به اسرائیل نتوانست کاری از پیش ببرد، کارکنشترین مامور و مشاور امنیتی کاخ سفید بنام جیک سالیوان را به اسرائیل فرستاد تا شاید اتاق جنگ نازیس اسرائیلی را بر سر «عقل» آورد! باید منتظر ماند و دید بر ناصیه فاشیست‌های ایرانی و غربی چه چیزی رقم خواهد خورد!*

و از آن وحشت دارند نتانیا هوی درنده خو، چون اوضاع را وخیم دیده ، می گوید: «ما با جنگی علیه موجودیت خود روبرو هستیم و باید تا پایان آنرا ادامه دهیم.» او می داند که حریف مقابل وی ، دلبرانه و هوشمندانه می جنگد. او ماتم گرفته که چگونه عدم دستیابی به هارت و پورتهای ابتدای جنگ ، مبنی بر آزادی فوری گروگانها و فتح غزه را ، برای صهیونیستهای گردن کلفت تر از خود و به جامعه وارداتی اسرائیل توضیح دهد.

روزنامه «یدیعوت آخارونوت» از کشته شدن شمار زیادی از اعضای تیپ زبده «گولانی» در نبرد زمینی با مبارزان فلسطینی خبر داد . «هاموس هرییل» ، تحلیلگر و کارشناس نظامی روزنامه «هاآرتص» گفت : «به رغم خسارت و تلفات زیاد ارتش ، نشانه‌ای از نزدیکی فروپاشی و یا شکست حماس وجود ندارد!» و روزنامه «هاآرتص» نوشت که عملیات ارتش ممکن است طولانی شود زیرا که در شمال نوار غزه نبردهای شدیدی در جریان است که دور از انتظار فرماندهان ارتش بود. در جنوب غزه هم بدلیل تونل‌های عمیق ، پیشروی در آنها محال است! ژنرال‌های ارتش هم برعکس روزهای نخستین و بدلیل خستگی سربازان ، مایل به ادامه جنگ نیستند

پس تنها راه حل برای خلاصی اسرائیل از این باتلاق ، «وقفه بشردوستانه» است که حداعلای ریاکاری است جالب است که در این هنگامه و در این کارزار جنایت و جنگ در غزه ، که در آن نه تنها موجودیت نتانیا هوی بلکه موجودیت رژیم جعلی و من درآوردی اسرائیل هم به خطر افتاده ، «هیئت سیاسی-اجرایی حزب چپ ایران» و طرفداران وحدت و کنشگران «چپ» ، در چهاردهم دسامبر ۲۰۲۳ طی مقاله‌ای مندرج در کانال تلگرامی «اخبار روز» ، همصدا با جو بایدن و دیگر سران کشورهای اروپایی ، خواستار تشکیل «دو دولت اسرائیلی و فلسطینی» شدند و اعلام نمودند که: «امروز دیگر برای همه روشن شده است که برای اجتناب از جنگ و خونریزی و زندگی در صلح ، راه دیگری جز توافق بر سر یک راه حل عادلانه و پایان دادن به مناقشه‌های طولانی اسرائیل با فلسطینی‌ها و پذیرش «راه حل دو دولت» ، متصور نیست.»

این توصیه و تاکید «درخشان» هیئت سیاسی-اجرایی حزب «چپ» ایران در حال است که در بیانیه «حزب لیکود» ، از اسرائیل بزرگ صحبت می‌شود و اصولا کشوری بنام فلسطین را قبول ندارد و در این راستا آمریکا و اسرائیل بدنال سرزمین از نیل تا فرات هستند؟! راه حل «دو دولت» ، که بار دیگر در شرایط کنونی منطقه و جهان و در بستر نبرد جنبش مقاومت فلسطین علیه متجاوزان صهیونیست طرح می‌گردد اگر چه نشان از برآمد و قدرت مجدد فلسطینی‌ها پس از طوفان ظفرمند ۷ اکتبر است اما در عین حال از آن نوع عوامفریبی و سیاهکاری‌هایی است که سرمایه‌داران فاشیست نئولیبرال در جهان و سوسیال‌دموکراتهای پسا کمونیستی «چپ» ایرانی و غیر ایرانی برای تطهیر جنایات ضدبشری اسرائیل «دموکرات» و در مخالفت آشکار و پنهان‌شان از ملت رزمنده فلسطین که علیه ظلم ، اشغالگری و استعمار و استثمار پیکار می‌کنند ، صورت می‌گیرد. جنبش مقاومت فلسطین نه‌قیم می‌خواهد و نه به کسی اجازه می‌دهد که در مورد سرنوشتش و ماهیت حکومت آتی آن دست به جعل و تحریف بزند.

جنبش مقاومت فلسطین تا خاک فلسطین را از وجود اشغالگران صهیونیست پاک نکند، آرام نخواهد گرفت. این جریانات بریده ، وامانده و فقط در حرف «سوسیالیست» ، همچون دزدان با چراغ «چپ» ، از خطرناکترین دشمنان طبقه کارگر و خلعهای تحت‌ستم و کمونیست‌های راستین در جهان هستند..*



طرح «دو دولت» و حامیان ریاکار خلق فلسطین

در جهان کنونی ، بزرگترین عوامفریبی این است که دشمنان بشریت خود را مدافع صلح ، طرفدار حقوق بشر، حامی دموکراسی و طالب کمک‌های بشردوستانه ، بنامند.

کشتار و قتل‌عام دهها میلیون انسان امریکای شمالی ، آفریقایی ، آسیایی ، آمریکای لاتین ، استرالیایی و غیره توسط غارتگران و استعمارگران غرب وحشی نظیر انگلیس در هند و استرالیا ، فرانسه در الجزایر و رواندا ، ایتالیا در لیبی ، اسپانیا در آمریکای جنوبی ، بلژیک در کنگو ، آلمان در نامیبیا ، هلند در اندونزی و در راس همه آنها آمریکای جهانخواهر در سرتاسر کره زمین و با ۸۰۰ پایگاه نظامی‌اش ، همه و همه ، تحت نام «پیشرفت ، تمدن ، کمک‌های انسان دوستانه» ، صدور دموکراسی و حقوق بشر» ، صورت گرفته است رژیم اشغالگر و کودک کش اسرائیل هم که فقط در جنگ اخیر در غزه صدها هزار فلسطینی را کشت و زخمی کرد و آواره و بی‌خانمان نمود ، از «بشردوستی» دم میزند؟!

امروز ، ۲۹ آذر ۱۴۰۲ در اخبار بی بی سی گزارش شده که: «رئیس‌جمهور اسرائیل برای وقفه بشردوستانه» در جنگ ، به منظور آزادی گروگان‌های حماس ، اعلام آمادگی کرد» «این در حال است که سالیان درازی است که حدود ۷۰۰۰ فلسطینی ، اسیر و دربند زندان‌های مخوف صهیونیست‌های اسرائیلی هستند و سردمداران جامعه «بشردوست و مدافع حقوق بشر» جهانی در تمام این سالها ، کر و کور و لال بودند آیا ریاکاری و عوامفریبی در نزد سیاستمداران آمریکایی و اسرائیلی و اروپایی ، حد و مرزی دارد؟!

تمام خلق‌های جهان و حتی دولتمردان کاخ سفید و «سیا» و پنتاگون هم فهمیدند که رژیم آدمخوار اسرائیل به رغم کمک‌های چندین میلیارد دلاری آمریکا و اروپا و ارسال انواع تسلیحات نظامی و بمب‌های ویرانگر ۲۰۰۰ پوندی و با کمک آبهای دریای مدیترانه ، نتوانست و نمی‌تواند رزمندگان جان برکف حماس و جبهه خلق برای آزادی فلسطین و جهاداسلامی و گردانهای مبارز فلسطینی را از صفحه روزگار حذف نماید. جهانیان متوجه شدند که نازی‌های اسرائیلی ممکن است بتوانند آدم‌های بی‌دفاع زیادی را نابود کنند اما هرگز نمی‌توانند آنها را شکست دهند کشته شدن سه گروگان اسرائیلی بدست ارتش اسرائیل ، نه از روی «اشتباه» ، بلکه از سر ترس و هراس از رزمندگان مقاومت فلسطینی بوده که هر جنبنده‌ای در غزه را جنگجوی فلسطینی می‌بیند

عدم شناخت و درک درست از ماهیت بورژوازی و سرشت امپریالیسم ، شکست و خواری در پی دارد!

«ولادیمیر پوتین» ، رئیس‌جمهور روسیه ، در مصاحبه‌ای اختصاصی با خبرنگار تلویزیونی ، با نام اختصاری « و گ ت ار کا» ، که احتمالاً باید کانال یک روسیه باشد ، اظهار داشت : «تصور ساده لوحانه‌ای داشتم نسبت بر تصویری که جهان به اصطلاح متمدن در مورد روسیه داشت.»! پوتین در هفتم اکتبر سال ۱۹۵۲ استالین بزرگ در پنجم مارس ۱۹۵۳ متولد شد . می‌دانیم که ژوزف استالین ، این انسان بلشویک و شاگرد وفادار به ، حدوداً پنج ماه پیش از درگذشت لنین و حزب لنینی و معمار سوسیالیسم در شوروی و معتقد راستین به دیکتاتوری پرولتاریا و درهم شکننده ماشین جنگی و مخوف فاشیسم امپریالیسم آلمان و رزمنده‌ای نستوه علیه هرگونه انحراف و علیه هرگونه مظاهر بورژوازی در داخل و خارج ، بود . او کشور شوراها را به مدت ۳۰ سال از هر نوع گزند و توطئه امپریالیست‌ها مصون داشت و سرزمین پهناور و عقب مانده روسیه را از نظر اقتصادی و تکنولوژی چنان ارتقاء داد که اتحاد شوروی به دومین ابرقدرت جهان و یاور و مدافع خلقهای تحت‌ستم استثمار و استعمار جهان بدل شد !! لذا با قاطعیت باید گفت که دفاع از استالین ، دفاع از مارکسیسم-لنینیسم در برابر تروتسکیسم ، رویزیونیسم ، اپورتونیسم ، امپریالیسم و بورژواهای رنگارنگ در جهان است !! باری

!چند سال پس از درگذشت استالین دار و دسته رویزیونیست و خائن «نیکیتا خروشچف» ، به بهانه آنکه در جهان «تغییرات اساسی» بوجود آمده ، با آوردن تزه‌های ضدلنینی ، تحت نام «حزب تمام خلقی» ، «دیکتاتوری تمام خلقی» ، «گذار مسالمت آمیز» و تحریف تر رقابت مسالمت آمیز و حمله و توهین‌های ناجوانمردانه علیه استالین ، با کودتا و بگیر و ببند قدرت سیاسی را به چنگ آوردند ! قدرت‌گیری رویزیونیست‌ها ، چنان ضربه‌ای به اقتدار اتحاد شوروی سوسیالیستی در سطح ملی و بین‌المللی وارد آورد که سبب رقص و پایکوبی بورژوازی داخلی و جهانی گردید ! دنباله‌روان و جانشینان خروشچف ، در مدت بیش از ۳۰ سال ، شوروی لنین-استالین را از هم فروپاشاندند و ابلهانه مجیزگوی امپریالیست‌های دزد و راهزن

غربی شدند و خود را خوار و ذلیل و آستان‌بوس بورژوازی ریاکار و غدار غرب کردند
ولادیمیر پوتین، از جمله تربیت‌یافتگان این رهبران خائن به سوسیالیسم از خروشچف تا گورباچف می‌باشد که بعد از چپاول ثروت ملت روس و به فقر و گرسنگی کشاندن ۶۰ درصد مردم روسیه توسط غارتگران بین‌المللی و الیگارشی‌های و طغفروش داخلی ، بعد از جدا شدن ۱۵ جمهوری از شوروی و بعد از پیشروی راهزنان «ناتویی» تا مرز روسیه و روی کار آوردن نئونازی و نئوفاسیست‌های اوکراینی توسط آمریکا و اروپا و کشتار و قتل‌عام روس تبارهای شرق اوکراین و تجهیز نظامی و مالی اوکراین و حمله همه جانبه اعضای پیمان ناتو از طریق اوکراین به روسیه ، فهمید که چقدر ساده لوح بوده است ! او هنوز هم نمی‌داند و نمی‌فهمد و نمی‌خواهد بفهمد که در حمایت از الیگارشی‌های روس، حمایت از نئولیبرالیسم و در ضدیت با طبقه کارگر و زحمتکش روسیه ، هنوز تا چه اندازه پرت است !! ولی اعتراف او به ساده لوحی در قبال غرب وحشی ، نشان از آن است که وی از خواب برخاسته است می‌دهد و علاوه بر آن ، ایستادگی و مقاومت وی در برابر تجاوزات امپریالیست‌های ناتویی در راس همه آنها امپریالیسم آمریکا و دفاع از منافع ملت روسیه و حفظ حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور روسیه را نمی‌توان نادیده گرفت و مبارزه مثبت او علیه ناتو و تضعیف جبهه غرب را در مسیر تحقق نظم چند قطبی در جهان از نظر دور داشت. نگاه ما به نقش مثبت روسیه در عرصه جهانی نه از منظر ایدئولوژیک و طبقاتی که تکلیف ماهیت روسیه بعنوان یک قدرت امپریالیستی برای ما روشن است، بلکه نتایج سیاسی و مترتب بر عملکردش در نظم جدید جهانی و سرشاخ شدن با هارترین و فاشیستی‌ترین جناح امپریالیستی در شرایط کنونی یعنی امپریالیسم آمریکا و پیمان نظامی ناتو است. این یک مبارزه سیاسی ضد فاشیستی و ضد هژمونی آمریکا از نظر ما کمونست‌ها به نفع پرولتاریا و صلح جهانی نیز می‌باشد. تفکیک سیاست از ایدئولوژی و اتخاذ تاکتیک صحیح در شرایط کنونی و پرهیز از کلی‌گویی‌های بی‌خاصیت» امپریالیسم امپریالیسم است! «رمز موفقیت حزب طبقه کارگر در بهره‌برداری از تضادهای قدرت‌های امپریالیستی و وارد ساختن ضربه در جهت اصلی و عمده مبارزه و علیه درنده‌ترین دشمن بشریت است و این یک هنر سیاسی در مبارزه طبقاتی و در عرصه بین‌المللی است. کسی که چنین امری را نفهمد از سیاست هیچ چیز نفهمیده است، تاریخ پر فراز و نشیب و غنی جنبش کمونیستی جهانی را نمی‌شناسد. *



بیانیه مشترک:

اختلاف گویان ونزوئلا بر سر چیست؟

یکم: اختلاف مرزی میان گویان برمی گردد به قبل اعلام استقلال گویان در سال ۱۹۶۶

منطقه مورد مناقشه یک مستعمره سابق هلند است که بریتانیا در معاهده‌ای در سال ۱۸۱۴ به آن دست یافت. وقتی ونزوئلا استقلال خود را از اسپانیا اعلام کرد، اختلاف نظر مرزی با گویان وجود داشت اما مسئله آنچنان حاد نبود در اواخر قرن نوزدهم، بریتانیا و ونزوئلا توافق کردند که مسئله اختلاف را به دادگاه بکشانند. دادگاه در سال ۱۸۹۹ تشکیل شد و، ۶۱۶۰۰ مایل مربع مورد مناقشه را به جایی که در آن زمان به عنوان گویان شناخته می شد، اعطا کرد. این دادگاه توسط دو آمریکایی، دو انگلیسی و یک روسی تزاری تشکیل شد... برای ونزوئلا جهت شرکت در این دادگاه ممانعت به عمل آوردند و اجازه شرکت در آن را به آن ندادند این یک «توطئه انگلیسی و روسیه تزاری» بود.

امروز غول نفتی «اکسون موبیل» در راستای منافع آشکار آمریکا تلاش دارد با وجود تشدید اختلافات ارضی با کشور همسایه، یعنی ونزوئلا به افزایش تولید نفت در فراساحل گویان ادامه دهد. در حالیکه ونزوئلا بدرستی می گوید منابع این منطقه مربوط به صاحبان این منطقه است و مداخله خارجی را بر نمی تابد، بار دیگر شاهد توطئه امپراتوری های کهنه کار امپریالیستی و اینبار امپریالیسم آمریکا برای غارت ثروت منطقه و بی ثباتی و جنگ هستیم

ونزوئلا بارها اعلام کرده است که می خواهد مناقشه ارضی خود با گویان را به شیوه ای مسالمت آمیز و از طریق نهادهای ذیصلاح بین المللی حل کند اما در عین حال هیچ گونه مداخله قدرت های امپریالیستی را نخواهد پذیرفت و از تهدیدات نظامی ایالات متحده نمی هراسد. بر همین اساس نیکلاس مادورو و عرفان علی، رئیس جمهوری تعاونی گویان، روز پنجشنبه چهاردهم دسامبر با هم دیدار داشته و بیانیه مشترکی انتشار دادند.

دوم: بیانیه مشترک ونزوئلا و گویان به **دیپلماسی و صلح پایبندیم** در دیداری که روز پنجشنبه میان نیکلاس مادورو رئیس جمهور ونزوئلا و عرفان علی، همتای گویانی وی برگزار شد، هر دو کشور توافق کردند به طور مستقیم یا غیرمستقیم، تحت هیچ شرایطی، علیه یکدیگر به تهدید یا قوه فهریه متوسل نشوند. همچنین، طرفین توافق کردند که هرگونه اختلاف بین دو کشور مطابق با قوانین بین المللی از جمله توافقنامه مورخ ۱۷ فوریه ۱۹۶۶ ژنو و با تعهد به اصول حسن همجواری، همزیستی مسالمت آمیز و وحدت آمریکای لاتین و حوزه کارائیب حل و فصل شود. در این نشست مقرر شد ونزوئلا و گویان یک کمیسیون مشترک متشکل از وزرای امور خارجه و کارشناسان فنی برای رسیدگی به موضوعات مورد توافق دوجانبه تشکیل دهند. همچنین توافق شد ظرف سه ماه دیدار دیگری در برزیل میان دو رئیس جمهور صورت گیرد

مردم ونزوئلا به همه پرسی ادعای حاکمیت دولت ونزوئلا بر منطقه نفت خیز «اسکیو» در کشور همسایه گویان رای مثبت دادند. روز یکشنبه ۱۲ سپتامبر ۹۵ درصد مردم در یک همه پرسی مشورتی و غیر الزام آور، ادعای ارضی این کشور بر بخش عظیمی از منطقه نفت خیز کشور همسایه گویان را تایید کردند*



نوبل و حقوق بشر

اهدای جایزه صلح نوبل به افراد و چهره های معین سیاسی در مورد حمایت از «حقوق بشر»، شیوه ای نوین برای رسانه ای کردن مهره های دستچین شده قدرت های امپریالیستی است. احترام به حقوق بشر بعنوان یک اصل جهان شمول و غیر گزینشی در این پروژه جایی نخواهد داشت، یک فریب محض است. نرگس محمدی که هم اکنون در زندان اوین به سر می برد، از زندان پیامی برای مراسم جشن نوبل فرستاد و گفت: «این پیام را از پشت دیوارهای بلند و سرد زندان» می نویسم: «من یک زن خاورمیانه ای ام. خاورمیانه ای که گرچه از سابقه تمدنی بسیار غنی برخوردار بوده، اما اکنون در میان جنگ، آتش تروریسم و بنیادگرایی گرفتار شده است.» ایکاش نرگس محمدی در شرایطی که بنیادگرایی صهیونیستی زن و کودک و مردم غزه را سلاخی می کند، اشاره ای هم به آن می کرده، این کشتار را محکوم و خواهان آتش بس فوری و پایان این جنگ می شد. اما از قضا مبارزه برای حقوق بشر ایشان گزینشی است شامل حال مردم غزه نمی شود، اگر چنین موضعی می گرفت، این جایزه به او تعلق نمی گرفت و اینهمه هیاهو هم برایش به راه نمی انداختند

شیرین عبادی و نرگس محمدی، هر دو " برنده جایزه صلح نوبل " هستند که شرف و حیثیت خود را به یک میلیون دلاری که از نوبل صلح گرفتند، فروخته اند و به جگر خادمان صهیونیسم و اسرائیل پیوسته اند تا همچنان برای رضایت ارباب صهیونیست، در برابر جنایت و نسل کشی در غزه و در قبال بمبارانهای وحشیانه بیمارستانها سکوت نمایند. اگر هم مجبور به اظهار نظر شده اند چنان سخن گفتند که کسی نمی فهمد فرق بین متجاوز و قربانی چیست و هیچ اشاره ای به ارتش صهیونیستی اسرائیل و حکومت اشغالگر اسرائیل نمی رود. طوری سخن گفتند که به مذاق نتانیاهو فاشیست هم خوش آمد!

شایان ذکر است در ۱۴ اکتبر ۱۹۹۱/۱۳۷۰ کمیته جایزه نوبل آنگک سانگ سوچی را به عنوان برنده جایزه صلح نوبل به جهانیان معرفی کرد. اما به دلیل حبس خانگی، در دسامبر همان سال پسر ۱۸ ساله او «الکساندر اریس» از سوی او این جایزه را دریافت کرد. نرگس محمدی نیز از همین جنس است، از جنس آنگک سانگ سوچی..

پس از آزار روهینگیا در میانمار (۲۰۱۶) یانگی لی، گزارشگر سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر در میانمار، از آنگک سانگ سوچی، که رهبری این کشور را برعهده دارد، انتقاد کرد و گفت که آنگک سان سوچی از اقلیت مسلمانان روهینگیا حمایت نکرده است.

از او به علت سکوت برابر آزار مسلمان روهینگیا انتقاد کرد و مدال افتخار او را پس گرفت. در نوامبر ۲۰۱۸ سازمان عفو بین الملل اعلام کرد که جایزه اعطایی خود را از آنگک سان سوچی پس می گیرد. پیشتر مجلس کانادا نیز شهروندی افتخاری او را لغو کرده بود..

پیش از این برخی از کاربران اپوزیسیون با نرگس محمدی در زمان دریافت جایزه نوبل، او را با آنگک سانگ سوچی مقایسه کرده بودند. این مقایسه غلطی نیست، هر دوی آنها ابزار دست امپریالیسم غرب برای اجرای انقلاب محملی است و جز این نیز نمی باشد..*



بیانیه مطبوعاتی جبهه خلق برای آزادی فلسطین در مورد ادامه نسل کشی در غزه توسط صهیونیست‌های اسرائیلی

مراکز بهداشتی و درمانی که محدود به چند مرکز کوچک وابسته به آنرو هستند، حداقل سطح مراقبت‌های بهداشتی و دارویی را ارائه نمی‌دهند. شرایط آب و هوایی و آب و هوای سرد برای آوارگان خطرناک است و این در نتیجه فقدان چادر ایمن از باران و نبود پتوهای سنگین و لباس زمستانی برای بخش بزرگی از آنها است. مردم در پرتو این رنج مداوم، جنگ سیستماتیک رژیم صهیونیستی از گرسنگی و انفجار جامعه بین‌المللی در آستانه یک فاجعه واقعی و بی‌سابقه قرار دارند که این امر مستلزم ارسال سریع کمک‌ها به مناطق محاصره شده، بازسازی مناطق تحت محاصره است. سیستم بهداشت و درمان و معرفی داروها، خدمه و تجهیزات پزشکی لازم برای نظارت بر وضعیت سلامت خلق ما، به‌ویژه در مراکز سرپناه و چادرهای آوارگان گسترده شده است. در پایان جبهه خلق برای آزادی فلسطین بر این باور است که نهادهای بین‌المللی مسئول این فاجعه هستند. سازمان ملل متحد در راس خود، کاملاً مسئول این فاجعه است. وخامت شرایط انسانی در نوار غزه و جنگ قحطی که توسط اشغالگران صهیونیست علیه یک ملت انجام شده است و ناتوانی نهادهای بین‌المللی تا کنون در تحمیل ورود امداد و کمک‌های غذایی و داروهای لازم برای خلق ما در پرتو تجاوزات مستمر، شرایط وخیم کنونی را سبب شده است جبهه خلق برای آزادی فلسطین، روابط بین‌المللی ۱۴ دسامبر ۲۰۲۳ ترجمه و تکثیر از حزب کار ایران (توفان)

بیانیه جبهه خلق برای آزادی فلسطین در سوگ جانباختن رفیق عضو کمیته مرکزی، ایمن نعیم سعید المدهون «ابو محمد». در بخشی از این بیانیه چنین آمده است:

با خبر شدیم رفیق مبارز ما ایمن نعیم سعید المدهون، «ابو محمد» ۵۱ ساله با افتخار و سربلندی به شهادت رسیده است. رفیق ایمن نعیم سعد المدهون صبح امروز در پی بمباران شدید صهیونیست‌ها در محله شیخ رضوان در شهر غزه جانباخته است. جبهه خلق برای آزادی فلسطین ضمن تسلیت عمیق خود به خانواده، رفقا و دوستان وی، تاکید می‌کند رفیق انقلابی را از دست داده‌ایم که دارای خصائل ممتاز مبارزاتی و مشحون از سخاوت و شجاعت و نوع دوستی بالای انسانی بود. این رفیق در تمام سطوح مبارزاتی جبهه خلق برای آزادی فلسطین شرکت فعال داشت و در دو جلسه اخیر به عضویت کمیته مرکزی جبهه خلق برای آزادی فلسطین نائل آمد و با موفقیت به وظایف انقلابی‌اش عمل نمود. همه پیروان این شهدای خلق ما تارسیدن به اهداف ملت ما در آزادی و بازگشت و تشکیل کشور فلسطین در سراسر سرزمین ملی ما با پایتختی بیت‌المقدس همین راه و رویکرد را دنبال خواهند کرد و ما قطعاً پیروز خواهیم شد. جبهه خلق برای آزادی فلسطین روابط بین‌المللی ۲۵ دسامبر ۲۳*

متأسفانه سرمای زمستان، رنج و مصیبت خلق ما را به‌ویژه در مناطق آوارگی تشدید کرده است. هشدار می‌دهیم نوار غزه در معرض قحطی واقعی و شیوع بیماری‌های واگیردار و کم‌خونی در بین کودکان قرار دارد. جبهه خلق برای آزادی فلسطین نسبت به قحطی واقعی که خلق ما در نوار غزه به‌ویژه در استان شمالی نوار غزه و به‌ویژه اردوگاه جبلیه در معرض آن قرار دارند، به دلیل محاصره خفه‌کننده صهیونیست‌ها و بمباران شدید وحشیانه و نرسیدن کمک‌های امدادی به آن مدتهاست هشدار داده است

جبهه خلق برای آزادی فلسطین بر این باور است که دشمن جنایتکار صهیونیستی همزمان با بمباران وحشیانه و جنگ ویرانگر خود در نوار محاصره شده، به جنگ قحطی و گرسنگی دادن علیه خلق ما در نوار غزه به‌ویژه در شمال ادامه می‌دهد شرایط فاجعه‌بار و غیرانسانی بی‌سابقه در تاریخ معاصر، در نتیجه تخریب کامل زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی و هدف‌گیری و تخریب بیمارستان‌ها توسط صهیونیست‌ها که منجر به فروپاشی همه‌جانبه نظام سلامت و گسترش کم‌خونی شد. کم‌خونی و سوءتغذیه در بین کودکان و بیماری‌های عفونی مانند هیپاتیت، سل، اسهال خونی و اسهال، به‌ویژه در میان هزاران آواره که بصورت فشرده در یک جا جمعند، خطرناک است. با توجه به کمبود دارو، آلودگی آب و کمبود آب سالم،



دسامبر ۲۳

بار دیگر در ادامه تظاهرات‌های ضد صهیونیستی و در حمایت از خلق فلسطین روز شنبه تظاهراتی از گروه فلسطین در شهر لین شوپینگ سوئد برگزار شد. نمایندگان دو حزب پارلمانی سوئد نظیر «حزب چپ» و حزب محیط زیست، یکی از وکلای مستقل و مترقی مقیم این شهر، یک زن کشیش ضد صهیونیست سوئدی، نماینده‌ای از گروه فلسطین و یکی از فعالین حزب کار ایران (توفان) و نماینده اتحادیه کارگری لین شوپینگ در این تظاهرات سخنرانی کردند، ضمن محکوم کردن کشتار مردم غزه با خلق فلسطین و مباررات جنبش مقاومت ابراز همبستگی نمودند. تظاهر کنندگان در مسیر پرجمعیت مرکز شهر با شعارهایی نظیر: رژیم آپارتاید را تحریم کنید! اسرائیل فاشیست و قاتل خلق فلسطین! نسل‌کشی در غزه را محکوم کنید! زنده باد خلق فلسطین! نابود باد صهیونیسم!... نگاه انبوه مردم خیابان را به خود جلب کردند. این تظاهرات با محکوم کردن آمریکا و همدستی دولت بایدن با صهیونیسم اسرائیل و افشاگری در مورد علل و توی آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل متحد برای آتش‌بس فوری در غزه و سرود همبستگی پایان گرفت. رفقای هوادار حزب کار ایران (توفان) نیز فعالانه در این تظاهرات شرکت داشتند. زنده باد همبستگی با خلق فلسطین

متن سخنرانی یک رفیق هوادار حزب کار ایران (توفان) در تظاهرات لین شوپینگ در همبستگی با مردم غزه و محکومیت رژیم صهیونیستی اسرائیل رفقای گرامی، دوستان مدافع فلسطین!

شب گذشته آمریکا قطعنامه شورای امنیت برای برقراری آتش‌بس در غزه را و تو کرد. آمریکا در نسل‌کشی غزه شریک است. شورای امنیت سازمان ملل متحد پیش‌نویس قطعنامه‌ای را

گزارش مختصری از تظاهرات‌های ضد صهیونیستی در حمایت از خلق فلسطین

تظاهرات هزاران نفر در سوئد

تظاهرات هزاران نفر در استکهلم، در حمایت از خلق فلسطین و محکومیت اسرائیل. یکشنبه ۱۰ دسامبر ۲۳

پس از آغار بمباران وحشیانه غزه توسط ارتش صهیونیستی تروریستی اسرائیل در هر هفته حداقل دو تظاهرات بزرگ در همبستگی و حمایت از مردم غزه در استکهلم انجام گرفته است و این اعتراضات علیرغم سانسور رسانه‌های پرو اسرائیلی سوئد ادامه داشته و نیروهای ترقی خواه و ضد صهیونیست هرچه مصمم‌تر بر تداوم آن تاکید ورزیده‌اند. امروز در هوای سرد استکهلم بار دیگر هزاران نفر به خیابان آمدند و فریاد تحریم باد رژیم نژاد پرست و تروریست اسرائیل را سر دادند. مردم یک صدا شعار می‌دادند: قتل‌عام کودکان محکوم است! کشتار مردم غزه محکوم است! رژیم صهیونیستی را تحریم کنید! زنده باد همبستگی با خلق فلسطین! نابود باد صهیونیسم! زنده باد انتفاضه! کودکان در جهان همه برابرند، کودکان غزه را فراموش نکنید! این تظاهرات با موفقیت پایان گرفت. هواداران حزب کار ایران (توفان) نیز فعالانه در این تظاهرات شرکت داشتند

تظاهرات در حمایت از خلق فلسطین در شهر لین شوپینگ با شعار اسرائیل را بایکوت کنید! شنبه ۹

که خواستار آتش بس فوری در غزه می‌شد، پس از وتوی آن توسط آمریکا ناکام ماند.

حمله تروریستی همه‌جانبه به اهداف غیرنظامی غزه همچنان ادامه دارد و توسط ارتش اشغالگر صهیونیستی و تحت حمایت مالی و تبلیغاتی دنیای غرب بهره‌ری آمریکا انجام می‌شود، اما تاکنون هیچ دستاورد نظامی نداشته است.

حقیقت این است که آنچه در غزه می‌گذرد جنگ بین حماس و اسرائیل نیست. بلکه یک حمله نظامی تمام عیار از سوی یک قدرت اشغالگر تا دندان مسلح و با حمایت سیاسی، نظامی، تسلیحاتی، اطلاعاتی، عملیاتی و تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا علیه ملت فلسطین است، ملتی که سرزمینش اشغال شده و مورد تهاجم قرار گرفته است. ترور، قتل، شکنجه، آوارگی. محاصره و بمباران، به مدت ۷۵ سال.

دوستان اران عزیز فلسطینی!

رژیم اشغالگر صهیونیستی برای شصتمین روز در سایه سکوت «جامعه بین‌المللی» و حمایت آمریکا به بمباران غزه ادامه می‌دهد. حمله وحشیانه رژیم صهیونیستی به اهداف غیرنظامی غزه نتیجه روش‌های تلافی جویانه‌ای است که ویرانی عظیمی را به وجود آورده است که ما را به یاد جنگ جهانی دوم در دوران نازیسم می‌اندازد.

بی‌شک آمریکا مسئول ویرانی، کشتار و نسل‌کشی مردم غزه به دلیل کمک‌های تسلیحاتی به رژیم اسرائیل است. قتل و جنایات متجاوزان صهیونیست نه تنها در نوار غزه بلکه در کرانه باختری و بیت‌المقدس نیز هست.

دوستان عزیز!

سخنگوی وزارت بهداشت غزه در ۶ دسامبر اعلام کرد شمار کشته شدگان غزه به ۱۷۱۷۷ نفر افزایش یافته است که ۸۰۰۰ نفر از آنها کودک هستند و تعداد مجروحان به ۴۶۰۰۰ نفر افزایش یافته است.

این آمار رسمی کشته شدگان است، اما در عمل بسیار بیشتر از ۱۷۰۰۰ نفر است. افراد مدفون شده در زیر آوار و خرابه‌ها هنوز به عنوان آمار به حساب نمی‌آیند. هزاران نفر به شدت مجروح شده و در حال مرگ هستند. این یک جنایت جنگی، یک نسل‌کشی و ویرانی برای غیر قابل سکونت کردن غزه است که در تاریخ بی‌سابقه است. آری غزه امروز مرز بین انسانیت و توحش، فاشیسم و ضد فاشیسم است و سکوت و بی‌طرفی سیاسی در قبال اشغالگر و ملت تحت اشغال، بین ظالم و ملت مظلوم، همدستی با جنایتکاران و صهیونیسم است. یعنی فاشیسم

مدرن!

رفقای عزیز!

دولت صهیونیستی اسرائیل داوطلبانه با آتش بس دائمی موافقت نخواهد کرد، اما با مبارزه و بسیج افکار عمومی بین‌المللی و طرح بایکوت جهانی علیه اسرائیل می‌توان این رژیم جنایتکار را وادار به عقب نشینی کرد.

سکوت نکنیم، جرأت کنیم به نسل‌کشی غزه اعتراض کنیم و صدای زنان و کودکان و مردم غزه باشیم.

زنده باد همبستگی با مردم فلسطین!

رژیم آپارتاید، اسرائیل را تحریم کنید!

زنده باد فلسطین! نابود صهیونیسم!

شنبه ۹ دسامبر ۲۳

تظاهرات در کلن آلمان امروز شنبه ۲۳ دسامبر

در همبستگی با مردم غزه و محکومیت رژیم تروریستی صهیونیستی اسرائیل قریب به هزار نفر در این شهر دست به تظاهرات زدند. تظاهرات با فریاد «به جنگ پایان دهید، آزادی برای فلسطین به کشتار پایان دهید!» اسرائیل شرمت باد! زنده باد فلسطین / و چند شعار دیگر... با موفقیت پایان گرفت. فعالین حزب کار ایران (توفان) نیز در این تظاهرات شرکت داشتند

تظاهرات در استکهلم، امروز شنبه ۲۳ دسامبر علیه نسل‌کشی در فلسطین، علیه کشتار کودکان و در همبستگی با خلق فلسطین و محکومیت رژیم صهیونیستی اسرائیل در ادامه تظاهرات ضد صهیونیستی که هر هفته حداقل دو بار در استکهلم پایتخت سوئد برگزار می‌شود امروز شنبه ۲۳ دسامبر نیز هزاران نفر در استکهلم پایتخت سوئد دست به تظاهرات زدند و با مردم غزه ابراز همبستگی نمودند. شعارهای اسرائیل را بایکوت کنید و حمایت از مردم فلسطین در خیابان‌های استکهلم و کشتار کودکان از «غزه تا جنین» طنین انداز بود. این تظاهرات از خیابان Rådsmangatan station Sveavägen exit آغاز شد و از مسیر سفارت اسرائیل با فریاد «اسرائیل قاتل است! زنده باد فلسطین» در مرکز شهر با موفقیت به پایان رسید. در این تظاهرات هزاران نفر شرکت کردند. هواداران حزب کار ایران (توفان) نیز در این تظاهرات فعالانه شرکت داشتند و با مردم غزه ابراز همبستگی نمودند. *

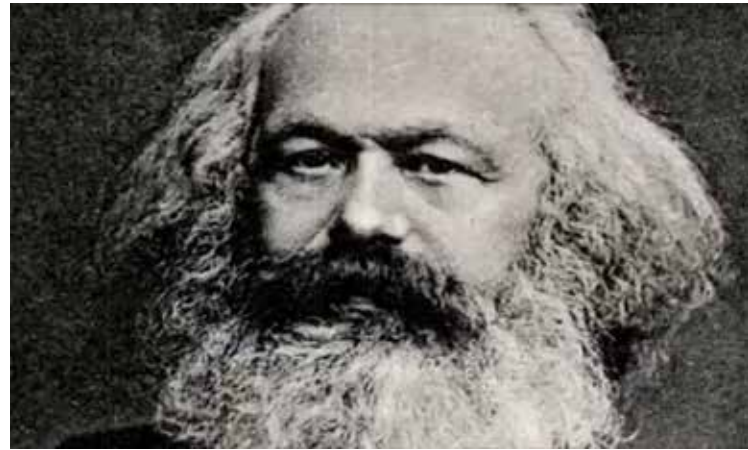
رسید. فشرده این تئوری چنین است:

«تحت رهبری حزب پرلتاریا، بسیج توده‌های دهقان بمنظور جنگ پارتیزانی در روستا و اجرای انقلاب ارضی، برقراری پایگاه‌های روستائی، محاصره شهرها از جانب روستاها و بالاخره تسخیر شهرها» (لین پیائو) بنا بر این تجدید نظر در احکام مارکسیسم هرگاه شرایط آن فراهم باشد نه تنها مردود نیست بلکه ضروری است و به سود نیروهای انقلابی، به سود انقلاب پرلتاریائی است. از آنچه که در فوق گفته شد این نتیجه حاصل می‌آید که:

اولاً رویونیسم در زیر پرچم مارکسیسم و در شرایط کنونی در زیر پرچم مارکسیسم لنینیسم ظاهر می‌شود علناً علیه مبانی مارکسیسم بر نمی‌خیزد و گویا مارکسیسم رامی‌پذیرد ولی با سفسطه آن‌را از مضمون خود تهی می‌سازد و بصورت شیئی مقدسی که برای بورژوازی بی ضرر است درمی‌آورد. (لنین) ثانیاً با تکیه بر این حکم صحیح که مارکسیسم مجموعه‌ای از احکام سروده و جاویدان نیست که یکبار برای همیشه و همه جا ثابت و لایتغیر باشد، با تکیه بر این اصل صحیح که مارکسیسم متناسب با شرایط جدید باید تغییر پذیرد، در مارکسیسم تجدید نظری می‌کند؛ اما این تجدید نظر علمی نیست یعنی شرایط موجود و خصوصیات محلی چنین تجدید نظری را ایجاب نمی‌کند. منظور آن‌ها از این تجدید نظر در احکام مارکسیسم در شرایط نوین نیست. برعکس تهی ساختن مارکسیسم از مضمون و محتوی انقلابی آن است، چیزی که طبیعتاً نه بسود پرلتاریا و نیروهای انقلابی بلکه در جهت تأمین منافع بورژوازی و ادامه سلطه و غارتگری بورژوازی است. آنچه که رویونیسم آن‌را «تجدید نظر» یا «نوآوری» می‌خواند فقط عقب نشینی و گذشت در برابر بورژوازی است. لنین در باره «نوآوری» رویونیست‌ها چنین می‌گوید:

«آن‌ها هیچ شیوه مبارزه نویی به پرلتاریا نیاموخته اند آن‌ها فقط عقب نشینی اختیار کرده‌اند... به پرلتاریا نه تئوری مبارزه بلکه تئوری گذشت را توصیه می‌کنند، گذشت در برابر بدترین دشمنان پرلتاریا در برابر دولت‌ها در برابر احزاب بورژوائی که بطور خستگی‌ناپذیر برای تنگ تر کردن دایره محاصره پیوسته در جستجوی وسایل جدیدی می‌باشند.»

مبارزه رویونیسم با مارکسیسم همیشه در زیر عنوان مبارزه با «دگماتیسم» «چپ روی» و «آوانتوریسم» صورت می‌گیرد. رویونیست‌ها در این زمینه با بی‌پروائی شگرفی اتهامات بسیاری به مارکسیست لنینیست‌ها می‌بندند تا آن‌ها را «دگماتیک» «چپ رو» و غیره نشان دهند. رویونیست‌ها در گذشته نیز همین شیوه ناپسند را بکار می‌بردند و حزب کبیر بلشویک را نیز با اوصافی نظیر «سکناریست، دگماتیک، بلانکیست، آنارشیزت و غیره» (لنین) متصف می‌داشتند. مبارزه با مارکسیسم به بهانه مبارزه با دگماتیسم و سومین ویژگی رویونیسم است.*



ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده

بنابر درخواست مکرر خوانندگان محترم «توفان الکترونیکی» بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریره نشریه «توفان الکترونیکی» ستونی برای این امر اختصاص می‌دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به اینکه بتوانیم از این طریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.

رویزیونیسم چیست؟ (بخش سوم)

تکامل مارکسیسم پس از لنین ادامه یافت. استالین و مائوتسه تونگ آنرا رشد و تکامل بیشتر بخشیدند. بعنوان مثال می‌توان از تئوری انقلاب دمکراسی نوین در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره، از تئوری جنگ انقلابی طولانی نام برد. پس از انقلاب اکتبر تا مدتی تئوری «وضع انقلابی» و «قیام مسلحانه» در شهرها از طرف کارگران نمونه تسخیر قدرت سیاسی توسط احزاب کمونیست بود. رویونیست‌های حزب توده ایران هم‌اکنون نیز به این تئوری چسبیده و در انتشار پیدایش «وضع انقلابی» نشسته‌اند. آن‌ها بیست و پنج سال مبارزه حزب کمونیست چین و پیروزی‌های عظیم این حزب را تحت رهبری بزرگترین مارکسیست لنینیست دوران معاصر مائوتسه تونگ و تجارب گرانبهایی را که این حزب به جنبش کمونیستی عرضه داشته نادیده می‌گیرند. مائوتسه تونگ با تکیه بر شرایط چین، تئوری لینی «قیام مسلح» در شرایط وضع انقلابی را با تئوری «تسخیر قدرت از راه جنگ انقلابی» جانشین کرد و بدین ترتیب راه انقلاب اکتبر برای تسخیر قدرت به تکامل تازه‌ای



پاسخ به یک پرسش در فیسبوک

پرسش: رفقای مبارز توفانی، با عرض سلام، سوسیالیسمی که در شوروی مستقر شد چه آفرید، دستاوردهای شوروی نسبت به غرب و در مقایسه با غرب چه بوده؟ آیا علل فروپاشی اتحاد شوروی همین ناکارآمدی و تحقق ناپذیری سوسیالیسم نبود. آیا فکر نمی کنید حتی اگر بجای استالین مارکس حکومت می کرد باز هم دچار همین بحران می شدند؟
امضا: احمد. سعادت. از ترکیه

پاسخ: ابتدا چند نکته را باید به خاطر سپرد.

یکم: چرا دشمنی با سوسیالیسم؟ چرا همه جهان سرمایه داری علیه سوسیالیسم در یک جبهه قرار دارند و هرگز موافق سوسیالیسم نبودند و نیستند و نخواهند بود؟

دوم: قدرت های غربی با صرف هزینه های کلان و با کمک رسانه ها و جامعه شناسان مزدبگیر طرفدار نظام سرمایه داری، همواره کوشش کردند تا با ماشین شستشوی مغزی افکار عمومی، نام استالین را کنار هیتلر و مستبدین مذهبی و فاشیست به عنوان دیکتاتوری آدمکش قرار دهند.

استالین یعنی «جنون» آدمکشی داشت و کمونیسم یعنی سلب آزادی فردی و اجتماعی و سیستم آدمکشی و این سیستم با طبیعت بشر نمی خواند!!

این تعرض ایدئولوژیکی که در قالب رسانه ای، فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و در همه عرصه ها صورت می گیرد هدفی جز خلع سلاح روحی و فکری مردم، بی اعتبار کردن سوسیالیسم بعنوان تنها نظام رهائی بشریت و جابجا انداختن خط منحنی نظام سرمایه داری آنها از نوع نولیبرالیسم امپریالیستی که با جنگ و جنون و غارت و فقر جهان و تاراندن میلیونها نفر از خانه و کاشانه شان است در سر ندارد. جهانی که ما امروز شاهدش هستیم جهانی است سرمایه داری و گلوبال که «آزاد» هم معرفی میشود. جهانی که ثروت ۸ نفر برابر است با دارایی نیمی از اهالی بشر. جهانی

که در اثر مناسبات سرمایه داری و نابرابر و استثمار در هر ثانیه یک کودک جاننش را از دست می دهد. هر دقیقه ۶۰ کودک. نزدیک به نیمی از مردم جهان دچار سوء تغذیه هستند و از کمبود کالری، پروتئین و املاح ضروری در رنجند. سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ میلادی اعلام داشت که قریب به ۱ میلیارد نفر در جهان دچار کمبود غذایی اند که این رقم به مراتب کمتر از آمار دیگر پژوهشگران است. بیش از یک میلیارد نفر در حلی آبادها زندگی می کنند. یک میلیارد انسان به آب سالم دسترسی ندارند. دومیلیارد انسان از وسائل بهداشتی محرومند. امروزه حتی در کشورهای پیشرفته صنعتی نیز بخش بزرگی از مردم زندگی ناامنی را سپری می کنند. مثلاً در آمریکای «آزاد» بیش از ۱۴ میلیون خانواده از نظر تغذیه امنیت ندارند و چهار میلیون خانواده (شامل ۹ میلیون نفر)، دائم از یک یا دو وعده غذا در روز می گذرند تا بقیه خانواده غذا داشته باشند..... جنبه دیگر مظاهر نظام سرمایه داری شرایط محیط زیست بشر است که طی دو قرن و نیم سرمایه داری صنعتی، وجود جنگ تقریباً بطور بی وقفه به بهای جان صدها میلیون انسان بوده است.. اشغالی، بردگی، نسل کشی، جنگ های قومی، جنگ های نیابتی و بهره کشی بخش جدایی ناپذیری از تاریخ نظام سرمایه داری بوده است.

دو جنگ ویرانگر جهانی یک قرن اخیر مولود نظام امپریالیستی برای تقسیم مجدد جهان بوده که بیش از ۱۰۰ میلیون کشته و مجروح و ویرانی عظیم بر جای گذاشت.

شایان ذکر است که جنگ جهانی اول با پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتبر شوروی و با ابتکار دولت نوین و صلح دوست سوسیالیستی به پایان رسید و جنگ جهانی دوم نیز که آغازگرش ممالک امپریالیستی و آلمان در راش بود در مقابل ارتش سرخ شوروی استالینی در هم شکست و جنگ جهانی دوم در ۹ ماه مه ۱۹۴۵ پایان یافت. علیرغم این اما ضد کمونیست های ملی مذهبی و لیبرال و نولیبرال و اعوان و انصارشان شرم و حیا نمی کنند که به کمونیست ها که با میلیون ها کشته صلح را برای جهانیان به ارمغان آوردند حمله کنند و آنها را مخل صلح و آزادی جلوه دهند!

نکته دیگر و پاسخ به اینکه سوسیالیسم در شوروی چه آفرید؟

دستاوردهای انقلاب اکتبر در دوران رهبری لنین و بویژه استالین کدامند؟ بطور مختصر آنچه در شوروی بنفع زحمتکشانش رخ داد را در زیر شرح می دهیم:

یکم، مالکیت خصوصی بر ابزار تولید از میان رفت، تولید سوسیالیستی با توزیع سوسیالیستی همراه شد و آهنگی

رهبری شوروی است و تبعات احیای سرمایه داری در شوروی ربطی به سوسیالیسم نداشت و ندارد، آنچه بنام «سوسیالیسم واقعا موجود» وجود داشت و از آن سخن می رفت، سوسیالیسم نوع تقلبی بود، نه سوسیالیسمی تحت رهبری حزب طبقه کارگر و دولت دیکتاتوری پرولتاریا. شوروی رویزیونیستی در حرف سوسیالیست و در عمل امپریالیست بود و شدیداً به اعتبار جنبش سوسیالیستی جهانی و اتحاد جماهیر شوروی لطمه زد و به این زودی‌ها این تشتت فکری و کج فهمی های سیاسی پایان نخواهد گرفت.

آلبرت انشتین در مورد شستشوی مغزی جامعه توسط بورژوازی بدردستی اشاره داشت و گفت «فلج کردن آگاهی اجتماعی افراد را، مخرب ترین دستاورد سیستم سرمایه داری میدانم. کلیت سیستم آموزشی ما از این سیمای زشت سرمایه داری رنج می برد. به دانش آموز نوعی اخلاق رقابتی اغراق آمیز القا میشود تا دانش اکتسابی خود را تنها برای موفقیت فردی خود در آینده مورد ستایش قرار دهد.

من متقاعد شده ام که برای از بردن این سیمای زشت سرمایه داری تنها یک راه وجود دارد، و آن استقرار اقتصاد سوسیالیستی همراه با یک سیستم آموزشی با اهداف اجتماعی و سوسیالیستی می باشد. در چنین سیستم اقتصادی، ابزار تولید در مالکیت جامعه است و به شیوه برنامه ریزی شده بکار گرفته می شود

سیستم اقتصاد برنامه ای، تولید را بر اساس نیاز جامعه تنظیم می کند، کار را بین همه کسانی که توانایی کار کردن را دارند تقسیم می کند و معیشت همه مردان، زنان و کودکان را تضمین می کند

آموزش فردی، علاوه بر اینکه شکوفایی استعدادهای ذاتی را تشویق می کند، تلاش می کند تا به جای تکریم و ستایش قدرت و موفقیت فردی، احساس مسئولیت نسبت به دیگر هموعان در جامعه را ایجاد کند».

رفیق عزیز، اخیراً کتابی در مورد رویزیونیسم و علل خیانت حزب توده ایران به مارکسیسم لنینیسم و تغییر ماهیت حزب و دولت شوروی پس از کنگره بیستم در سال ۱۹۵۶ انتشار داد که به بسیاری از مهمترین مسائل تئوریک از جمله در مورد ماهیت طبقاتی نظامی چین کنونی پاسخ گفته است. خواندن این اثر ارزشمند را به شما توصیه می کنیم.

موفق باشید. *

نویسنده و رشدی سریع و هارمونی بر اقتصاد و فرهنگ و هنر و ورزش جامعه حاکم گشت که در تاریخ بشریت بی نظیر بود. به عبارت دیگر چرخ تولید بدون سرمایه دار به گردش درآمد، شوراها، کارگری و دهقانی تحت رهبری حزب پیشآهنگشان تولید را خود در دست گرفتند و بر اساس نیاز جامعه و نه سود برنامه ریزی کردند.

دوم، آموزش و پرورش رایگان شد

سوم، سطح زندگی کارگران و زحمتکشانشان ترقی کرد

چهارم، بیسوادی، بیکاری، اعتیاد، فحشا، بی مسکنی و گرسنگی ریشه کن شد

پنجم، در زمینه هنر و ورزش، کشورشوراها همواره مقام اول در جهان را کسب می کرد.

ششم، مراقبت های بهداشتی همگانی و دوبرابر نمودن امید به زندگی نتیجه سیاست های انساندوستانه کشورشوراها بود

هفتم، جنبش مزارع اشتراکی و کشاورزی مدرن

هشتم، تاسیس اولین نیروگاه هسته ای در جهان

نهم، رساندن انسان به عصر فضا

دهم، فراموش نکنیم اتحاد جماهیر شوروی تحت رهبری استالین برای سه سال به تنهایی علیه ارتش نازی جنگید و جبهه متفقین زمانی گشوده شد که آلمان در حال شکست و عقب نشینی بود. در یک کلام **سوسیالیسم** تحت رهبری استالین و در محاصره امپریالیست ها بنا شد و به پیروزی رسید. تحت رهبری استالین بود که عفریت فاشیسم درهم شکست و صلح در جهان برقرار گردید.....

با وجود همه این دستاوردها ضد کمونیست ها و دنباله روهای بورژوازی امپریالیستی نو لیبرال می گویند، سوسیالیسم جواب نمی دهد!!

دستاوردهای انقلاب اکبر و ساختمان سوسیالیسم تحت رهبری دیکتاتوری پرولتاریا عظیم و غیر قابل انکار است و شوروی سوسیالیستی از آن تاریخی که راه خیانت پیش گرفت و در کنگره بیستم وقتی دارودسته خروشچف تزه های ضد مارکسیستی خود را بر حزب تحمیل کردند و سود و ذینفعی مادی بعنوان محرک جامعه قلمداد شد، سوسیالیسم از درون تهی شد و سرانجام فروپاشید. تغییر تحولات رویزیونیستی بعد از کنگره بیستم در سال ۱۹۵۶، نقطه عطف در تغییر ماهوی

پیشرفت و تعالی رهنمون خواهد ساخت. می‌بینیم که تضادها می‌توانند جای خود را عوض کنند. از اینرو باید همیشه توجه داشت که اگر از اولویت‌ها صحبت می‌کنیم، آنها را بی‌ارتباط با تضاد عمده جامعه نمی‌بینیم.

کشورما ایران در شرایط کنونی از همه لحاظ درسراشویی انحطاط و سقوط قرار گرفته است. آموزش پرورش، بهداشت، کشاورزی، آب، محیط زیست، رشد جمعیت، افزایش یدیده حاشیه نشینی، فقر، فحشاء، طلاق، کودکان کار و بیکاری و غیره... و همه این مظاهر و اشکال زشت و نامیمون جامعه امروز ما از یک جا منشاء می‌گیرد از مناسبات سرمایه داری و در هارترین شکل آن، نئولیبرالیسم است. پزشک برای درمان بیمار ابتدا باید بداند که «علت» این بیماری، که معلول آن است، چیست و از کجا منشاء گرفته است. تجویز دارو برای تسکین درد، راه علاج بیماری نیست. ما باید ریشه این مصائب اجتماعی را ابتدا بشناسیم و برای رفع آنها به عمق برویم و نه اینکه و در سطح مسایل به‌لغزیم. یعنی جامعه ما به تغییرات رادیکال و بنیادی نیاز دارد. ساختمانی را که ابتدا بنیان آن را سست و شکننده ساخته‌اند، با تغییر نمای ساختمان نمی‌توان آن را مستحکم ساخت. این ساختمان را باید در هم ریخت و از نو ساخت. اگر قرار است که ساختمان نو بنا کرد، باید دید کدام طبقه قادر است که این بنای جدید را بنیان بگذارد! و دیگر اقدار جامعه به آن طبقه اعتماد داشته باشد؟ ما فکر می‌کنیم، اگر شما بتوانید این نیروی طبقاتی را تشخیص و تخصیص دهید، آنگاه «برنامه راه» این تغییر می‌تواند، در بخش پاسخ به «چه باید کرد» روشن شود. نکته مهمی که اکنون باید بدان توجه داشت این است اگرچه کارگران و زحمتکشان از تضاد کار و سرمایه در ایران رنج می‌برند و راه حل نهایی برانداختن سرمایه داری و حل این تضاد استقرار سوسیالیسم است اما نیروهای دیگری هم هستند که خواهان برانداختن این نظام، نه نظام سرمایه داری بلکه فقط جمهوری اسلامی هستند تا سلطه سیاسی امپریالیسم غرب را بنفع نظم کنونی جهان مستقر سازند. طبقه کارگر نمی‌تواند به این امر مهم بی‌توجه باشد و از سرنگونی رژیم به هر قیمتی استقبال نماید.

چنین سرنگونی و جابجایی قدرت بدون مداخله طبقه کارگر تحت رهبری حزبی هیچ ثمری برای او نخواهد داشت. راه خروج از این وضعیت بحرانی حزبیت و تشکل است، سازمان و تشکیلات و متشکل شدن در حزب طبقاتی واحد سیاسی طبقه کارگر است که مسلح به ایدئولوژی طبقه کارگر یعنی مارکسیسم لنینیسم است تا سرانجام بتواند با همت نیروهای میلیونی کارگران و زحمتکشان نظام سرمایه داری را براندازد و سوسیالیسم را مستقر سازد. این راهی است طولانی اما منطقی و ممکن و راه دیگری برای حل نهایی بحران متصور نیست. موفق باشید *



پاسخ به یک پرسش در کانال تلگرام

پرسش: با سلام به دوستان، پرسشم این است در شرایط کنونی اولویت‌های راهبردی و حاد کشور و خطرات جدی در ایران الان کدامند؟ چه چشم اندازی برای خروج از وضعیت کنونی وجود دارد و حزب شما چگونه به این پاسخ می‌دهد؟ با تشکر. کاظم مرفای. فرانسه

پاسخ: با درود به شما و تشکر از پرسش بسیار مهمی که طرح کرده اید. ما می‌توانیم فاکتورهای بسیاری را کنار هم ردیف کنیم، که هر کدام از آنها در جای خود مهم و «حاد» هستند. ولی حل چندی از آنها مشکل اساسی کشور را حل نمی‌کند. و از آنجائی که همه مشکلات را نمی‌شود به یکباره و به سهولت امروز به فردا حل کرد، همانطور که اشاره کردید، باید «اولویت‌های راهبردی» را ابتدا تعیین کنیم. برای تعیین اولویت‌ها باید ابتدا به توانیم «تضاد عمده» را از غیره عمده تشخیص و تمیز دهیم. در میان همه تضادها، در یک مقطع زمانی مشخص، تنها یک تضاد می‌تواند عمده باشد و نقش تعیین کننده ایفاء کند، دیگر تضادها فرعی و غیر عمده‌اند. در جامعه سرمایه داری ایران، که دو طبقه اصلی جامعه در برابر هم قد برافراشته‌اند، «تضاد کار و سرمایه»، تضاد عمده است، که سرنوشت و تکامل جامعه ایران را تعیین می‌کند. در قبل از انقلاب ۵۷ تضاد کار و سرمایه تضاد عمده نبود، تضاد «خلق با امپریالیسم»، تضاد عمده آن مرحله از تاریخ ایران را تعیین می‌کرد. به همین دلیل طبقه کارگر ایران با بخش‌هایی از نمایندگان بورژوازی متوسط یا ملی ایران منافع مشترک داشت و در این اشتراک منافع، بخشی از بورژوازی کوچک و متوسط را متحد موقت خود می‌دید. نگاهی به ترکیب طبقاتی انقلاب ایران موید این حقیقت است. ایران بعد از انقلاب ۵۷ به استقلال سیاسی خود دست یافت و امریکا منافع و پایگاه خود را در این کشور از دست داد. و بدین ترتیب تضاد عمده در درون جامعه ما، در شرایط کنونی، همان تضاد کار و سرمایه است. که حل آن، جامعه ما را به سوی



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/hezbekar.toufan					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب
<u>POSTBANK</u>						
bank code 20110022						
bank account No.: 2573 3026 00						
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00						
<u>P.O. BOX 1138</u>						
D64526 Mörfelden-Walldorf						
E-Mail: toufan@toufan.org						
Fax: 00496996580346						